

«...دعواهای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوائی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا می‌کنیم...
دعوائی من و شما و همه کسانی که دعوا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



نقش فدائیان
اسلام در پیوند
عاشورا با نهضت
ملی شدن نفت

صفحه ۶



سال سی و هفتم ♦ شماره ۱۴ ♦ شماره مسلسل ۱۵۳۲ ♦ نیمه دوم مهر ماه ۱۳۹۵ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

گفتگو با استاد سید هادی خسروشاهی چگونگی تأسیس و انحلال حزب خلق مسلمان



حزب خلق مسلمان را باید یکی از اتفاق‌های مهم روزهای دانست که انقلاب امام خمینی (ره) به جمهوری اسلامی منجر شده بود و به همین دلیل، مهم بود که «آیت الله سید کاظم شریعتمداری» قصد چه نوع تحرکی دارد و به همین دلیل در آن روزها این سؤال ذهن انقلابیون را مشغول کرده بود که

«با وجود حزب جمهوری اسلامی، چه نیازی به تأسیس حزبی جدید است» به هر روی، حزب خلق مسلمان تأسیس شد و در حالی که زمینه‌هایی مبنی بر اختلاف سلیقه آیت الله شریعتمداری با بنیانگذار جمهوری اسلامی شنیده می‌شد، ایشان در آغازین روزها و در پاسخ به این سؤال که «اگر بعضی‌ها بخواهند زیر پوشش این حزب، ساز دیگری بزنند و مثلاً با مسائل مطرح شده از سوی آیت الله خمینی، نوعی مخالفت کنند چه باید کرد» به طور صریح و به وضوح گفتند: «مخالفت با آقای خمینی و اهداف ایشان حرام است».

حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی که از اعضای شاخص هیأت مؤسسين حزب و سردبیر روزنامه خلق مسلمان بود، همچنین با گفتن این که «به طور منصفانه باید گفت که امام از اول برای جلوگیری از تشتت و اختلاف، تمایلی به تأسیس حزب جدید نداشتند و همکاری با حزب جمهوری اسلامی را کافی می‌دانستند. اما پس از توضیحات ما، موضوع را به تشخیص و نوع احساس تکلیف خودمان موکول کردند که ما هم در آن برهه، آن را تکلیف خود دانستیم» جواب آن‌هایی را می‌دهد که معتقد به مخالفت سرسخت امام خمینی (ره) با تأسیس حزب خلق مسلمان هستند.

سید شمس / ماهنامه نسیم بیداری

■ **با توجه به روایات متناقض موجود، موضع دقیق آیت‌الله شریعتمداری نسبت به حزب خلق مسلمان چه بود و ایشان چه مقدار بر حزب نظارت داشت؟**
موضع دقیق آیت‌الله شریعتمداری در قبال تأسیس حزب خلق مسلمان پس از پیشنهاد هیأت مؤسسين، که در نزد ایشان شخصیت‌های شناخته شده و عناصر صالحی بودند، کاملاً مثبت بود و در واقع می‌توان گفت که ایشان پشتیبان کامل تأسیس یک حزب اسلامی نو و پویا بودند تا بتواند در صحنه سیاسی کشور تأثیر گذار باشد. می‌دانیم که در آن برهه از زمان، بالغ بر ۲۵ حزب و سازمان و گروه اسلامی به وجود آمده بودند که نشان‌دهنده نوعی آزادی و نیز توانمندی نوعی عدم انسجام، حتی در میان جناح‌های اسلام‌گرا بود... و باز می‌دانیم که در همان دوران بیش از ۴۲ سازمان و گروه و حزب چپ و سکولار و مارکسیست و کمونیست هم به وجود آمده بود که هر کدام هم برای خود نشریه یا روزنامه و ارگان داشتند و آزادانه منتشر می‌شدند و در جذب نیروهای جوان کاملاً فعال بودند.

در این بحران عملی، تأسیس یک حزب اسلام‌گرای روشن‌اندیش توسط عناصر معروف به صلاح و تقوی و نیک‌اندیشی، ضروری بود که با تلاش پی‌گیر و کوشش مستمر هیأت مؤسسين، تحقق یافت و «حزب خلق مسلمان» به وجود آمد و به طور رسمی، اعلام موجودیت کرد و طبق توصیه رسمی و علنی آیت‌الله شریعتمداری در جلسه‌ای که با حضور اعضای هیأت مؤسسين در منزل ایشان در قم تشکیل شده بود، قرار شد که این حزب جدید، با احزاب اسلامی و ملی صادق، همکاری و تعاون داشته باشد و از چارچوب قوانین جدید جمهوری اسلامی خارج نشود و حتی معظم‌له در پاسخ به بنده که مطلبی را مطرح ساخته و گفتم: «اگر بعضی‌ها بخواهند زیر پوشش این حزب، ساز دیگری بزنند و مثلاً با مسائل مطرح شده از سوی آیت‌الله خمینی، نوعی مخالفت کنند چه باید کرد؟... چون در این صورت، به طور طبیعی، هیأت مؤسسين آمادگی همکاری با حزب را نخواهند داشت» به طور صریح و به وضوح گفتند: «مخالفت با آقای خمینی و اهداف ایشان حرام است».

این کلیات اندیشه و نوع پشتیبانی ایشان از «حزب خلق مسلمان» در آغاز تأسیس بود که البته در آن، نشانی از قصد دخالت خاص ایشان در امور حزب دیده نمی‌شد و اعضای هیأت مؤسسين با استقلال تمام، آماده کار بودند و بی تردید از مشورت در موارد لازم هم غافل نبودند، ولی نه به آن معنی که ایشان مطلبی را دیکته نمایند و هیأت مؤسسين آن را اجرا کنند.

ادامه در صفحه ۴

حجت الاسلام والمسلمین مختاری:

تبیین اهمیت
و ضرورت
عزاداری برای
امام حسین (ع)

صفحه ۷



آیت‌الله اراکی تأکید کرد:

پرهیز از گفتار و
کردار تفرقه‌افکن
در پیاده‌روی
اربعین

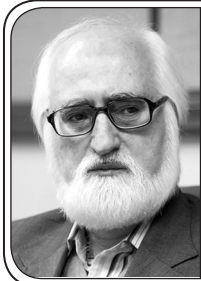
صفحه ۶



جواد محقق مطرح کرد

تأثیر بد بعضی
مدح‌ها
در مجالس
عزاداری

صفحه ۸



حجت الاسلام والمسلمین زمانی:

علما ضرورت
تقریب را برای
مردم بیان کنند

صفحه ۶



نکوداشت یک عمر جهد علمی آیت‌الله سید رضی شیرازی

و یاد دوران گذشته را زنده می‌کردیم. دوره‌ای که مدرسه مروی دوره درخشانی بود و مرحوم آشتیانی «کفایه» تدریس می‌کردند. وما که تازه شروع کرده بودیم، نزد مرحوم آقا سید هادی ورامینی درس مقدمات می‌خواندیم. مرحوم جلال آل احمد که آن هنگام دانش‌آموز دبیرستان دارالفنون بود هم می‌آمدند خدمت ایشان درس می‌خواندند و ایشان پسر آقا سید احمد طالقانی از علمای تهران بودند. غرض، یک شور و نشاطی در آنجا بود و خصوصاً نه تنها در آنجا بلکه استادانی بودند که در منازلشان تدریس می‌کردند مثلاً مرحوم آقا شیخ محمدتقی آملی که من افتخار شاگردی ایشان را داشتم در منزل خود چهار راه حسن‌آباد تدریس می‌کردند. من خودم در مدرسه سپهسالار قدیم حجره داشتم، خدمت مرحوم آقا میرزا مهدی آشتیانی درس می‌خواندم و در آن‌جا حوزه تهران واقعاً حوزه‌ای به معنای واقعی بود. شاید تا ۱۵ مدرس در مدارس یا در منازلشان تدریس می‌کردند.

ادامه در صفحه ۵



بزرگداشت آیت الله سید رضی شیرازی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد.

در ابتدای مراسم، رئیس این انجمن سخنرانی کرد. دکتر مهدی محقق درباره اهمیت جایگاه آیت الله سید رضی شیرازی گفت: من، آیت‌الله سید رضی شیرازی را متجاوز از هفتاد سال پیش می‌شناسم. زمانی که من در مدرسه مروی درس می‌خواندم. چند سال بعد از شهریور ۲۰ گذشته بود و طلاب یک شور خاصی نسبت به تحصیلات حوزوی و تحصیلات قدیمه داشتند،

به ویژه طلاب جوان از جمله مرحوم حاج آقا محیی‌الدین انواری، حاج آقا جزایری. در این میان حاج آقا رضی شیرازی درخشش بیشتری داشتند. گفت که؛

بالای سرش ز هوشمندی می‌تافت ستاره بلندی و واقعاً مصداق این شعر بودند که؛ فی المهد ینطق عن ساعده جدّه، اثر النجابه ساطع البرهان.

هنگامی که ایشان امامت مسجد شفا را در خیابان یوسف‌آباد عهده‌دار شدند، گاه گاه در اعیاد من خدمت ایشان می‌رسیدم

گفتگو با آیت‌الله محمد هادی یوسفی غروی

درنگی در مقتل سیدالشهدا (ع)

خوشبختانه تحقیقات استاد غروی تا اندازه‌ای این خلأ را پر کرده است و از این روی جا دارد که به همت دلسوزان، هرچه زودتر تمام این مجموعه و کتاب‌هایی از این دست به فارسی روان و پیراسته ترجمه شود. در همین راستا، چندی پیش به همت انتشارات اطلاعات، کتاب «مقتل سیدالشهدا (ع)» در دسترس عموم علاقه‌مندان قرار گرفت. این کتاب ترجمان بخشی از همان موسوعه است که تنها حوادث مرتبط باقیام کربلا را در بر می‌گیرد. با تأکید بر این مطلب که مؤلف در این نوشتار از هر گونه تحلیلی و تهییج و فضیلت‌نویسی خودداری ورزیده و به ذکر روایتی صرفاً تاریخی (از آغاز تا پایان این ماجرا) بسنده کرده است.

ایشان بر آن بوده که وقایع‌نگاری را با کار تحلیلی گران و مصیبت‌خوانان و مداحان و منتقبت‌سرایان درنیا میزد و گزارشی تاریخی از آنچه رخ داده، پیش روی خوانندگان بگذارد. گفتگوی روزنامه‌اطلاعات به مناسبت چاپ همین کتاب صورت گرفته است که البته با حال و هوای این ایام نیز تناسب دارد. (زهراروشندل)

ادامه در صفحه ۲



اشاره: مورخ پرتلاش جناب استاد یوسفی غروی سالهای متعددی در تاریخ اسلام و به‌ویژه سه سده نخستین مطالعه کرده و نوشته و بحث و گفتگو کرده‌اند که حاصلش مجموعه‌ای مفصل (هشت جلدی) به نام «موسوعه التاریخ الاسلامی» شده است که از عصر بعثت تا آغاز غیبت کبری را در بر می‌گیرد و در آنها کوشیده‌اند تاریخ اسلام را نه بر پایه سلسله خلفا و سلاطین، بلکه بر اساس دوران پربرت که در یک از معصومان (ع) بنویسند.

آشنایان با تاریخ اسلام کم و بیش می‌دانند که جریان‌های مختلف تاریخ‌نگاری دوران‌های اسلامی - از گرایش اموی گرفته تا جریان عباسی و زبیری و خوارج - دست کم در یک چیز موافقت ضمنی داشته‌اند و آن، مخالفت با خاندان پیامبر اکرم (ص) و در مواردی دشمنی با شخص امیرالمؤمنین علی (ع) است! متأسفانه با همه اهمیتی که پرداختن به تاریخ از منظر شیعی و ابتنا بر منابع اهل‌بیتی دارد، اهل تحقیق بنا به دلایلی کمتر به این موضوع پرداخته‌اند.

ادامه از صفحه اول

شما دوران کودکی تا میانسالی را در نجف اشرف و محیط علمی حوزه گذرانده‌اید. چه شد که به تاریخ اسلام و مطالعه و تحقیق در آن روی آوردید؟

مثل هر بچه مسلمان شیعی در شهر شیعی و در جامعه شیعی (نجف اشرف) در مجالس و محافل ایام محرم و عزاداری امام حسین(ع) حاضر می‌شدیم و می‌دیدیم که منبری‌ها مطالبی بر روی منبر درباره امام حسین(ع) نقل می‌کنند. به ذهن هر شنونده‌ای از جمله بنده می‌آمد که چه کسی در آن وقت در طرف امام حسین(ع) یا در لشکر دشمن، لشکر کوفیان (لشکر امویان، لشکر عمر بن سعد) حاضر بوده و این مطالب را به صورت شاهد حاضر ناظر مستقیم دیده و برای دیگران نقل کرده و دست به دست گشته تا به ما رسیده است.

از جمله این سخنرانان، شهید محراب مرحوم سید اسدالله مدنی تبریزی بودند که ماه مبارک رمضان در مسجد شیخ انصاری نجف اشرف منبر می‌رفتند و در شبی که در حالات امام حسین(ع) صحبت می‌کردند، به این مطلب اشاره کردند که این مقتل رایج و معروف به «مقتل ابی‌مخنف»، تحریف شده و اخبار صحیح مقتل ابی‌مخنف در ضمن تاریخ طبری آمده است. بعد از منبر، من از ایشان منبع این مطلب را پرسیدم و ایشان فرمودند که در مقدمه مرحوم محدث قمی (شیخ عباس قمی، صاحب مفاتیح‌الجنان) به نام «نفس‌المهموم فی مصیبه سیدنا الحسین المظلوم» (که معروف‌ترین ترجمه‌اش، به قلم آیت‌الله ابوالحسن شعرانی است) آمده است که این مقتل محرّف است. البته استاد مرحوم محدث قمی، یعنی مرحوم حاجی محمد حسین نوری، نسخه‌شناس و کتاب‌شناس معروف در کتاب خاتمه مستدرک‌الوسائل، ضمن معرفی کتاب‌های شیعه همین مطلب را راجع به ابی‌مخنف و مقتلش ذکر کرده‌اند.

به دنبال پاسخ آن پرسش اصلی، نهایتاً به این منبع معتبر، قدیمی و مهم یعنی مقتل امام حسین(ع) رسیدیم که شخصی به نام لوط بن یحیی (معروف به ابومخنف)، نگاشته است. وی بعضی از اخبار را از کسانی که خودشان در کربلا بوده و شاهد ماجرا بوده‌اند، نقل کرده و بعضی دیگر از اخبار را از کسانی که خودشان از حاضران در کربلا شنیده‌اند، نقل کرده است. چندین سال بعد طبری، تکه‌هایی از مقتل او را در کتاب تاریخ خود ذکر می‌کند؛ اما اصل کتاب مقتل ابومخنف رفته رفته از دست می‌رود و هم اکنون نسخه‌ای از آن در دست نیست.

بنده بعد از مطلب مجلس مرحوم شهید محراب، شروع به تطبیق مقاتل با یکدیگر کردم؛ از قبیل: «مقاتل الطالیین» ابوالفرج اصفهانی، «مقتل خوارزمی» و «مقتل لَهوف» و بعضی مقاتل دیگر را با هم سنجیدم و نهایتاً اخبار مقتل ابی‌مخنف را که در لابلای تاریخ طبری بود، جمع‌آوری و تحقیق کردم و نتیجه‌اش شد کتاب «وقعه‌الطف» که در مقدمه‌اش به معرفی مقتل تحریف‌شده موجود ابی‌مخنف پرداختم و اشتباهات این کتاب را که نشانه متأخر بودن و نوشته شدن به دست غیر کارشناس بود، تذکر دادم و اسناد این اخبار را همانجا آوردم.

این داستان، انگیزه توجه بنده به تاریخ بود. البته تألیف و تحقیق اخبار مقتل ابی‌مخنف، بر آنم داشت که تحقیقی وسیع و جامع در تاریخ اسلام را آغاز کنم که به تألیف کتاب هشت جلدی «موسوعه التاريخ الاسلامی» منتهی شد، که سه جلدش به نام «تاریخ تحقیقی اسلام» به فارسی ترجمه شده است.

این جناب ابی‌مخنف که بود و اهمیت کارش

در چیست؟

همان گونه که بیان شد، معتبرترین، کهن‌ترین و مهمترین مقتل امام حسین(ع) را لوط بن یحیی (معروف به ابومخنف) نگاشته است. در میان شیعیان عرب این مقتل از دیرباز متداول بوده، البته نه نسخه صحیحش، بلکه تحریف شده‌اش!

ابومخنف از قبیله ازدیان کوفی است که حدود سال ۸۰ هجری، یعنی بیست سال بعد از شهادت امام حسین(ع)، متولد شده است و

از حدود ۲۰ سالگی یعنی در پایان سده اول هجری شروع به گردآوری این اخبار کرده است. او در محیط کوفه می‌دید هنوز برخی از شاهدان واقع عاشورا در قید حیات هستند و بیست سال پیش در میان لشکر اموی حاضر در کربلا بودند و جریانات را از نزدیک دیده‌اند و اکنون اواخر عمرشان است و حیف است که این اخبار جمع‌آوری نشود. البته او متوجه تقاضای جمع‌آوری این اخبار از سوی علاقه‌مندان به اهل‌بیت نیز بود؛ لذا دست به قلم شد و این اخبار را گاهی مستقیم و بی‌واسطه و گاهی هم فقط با یک واسطه جمع و تنظیم کرد که منتهی به تدوین کتاب مقتل امام حسین(ع) شد.

هشام کلبی - شاگرد ابومخنف - نیز که تا سال ۲۰۶ قمری زنده بود، کتابی در این زمینه داشت که دیگر در دست نیست. اکنون «مقتل هشام کلبی» و مقتل ابی‌مخنف، هر دو مفقود شده و از دست رفته است.

اولین کتابی که اخبار این دو مقتل را جمع‌آوری کرده، کتاب «تاریخ طبری» است که حوادث تاریخی را به ترتیب سالها ذکر کرده است. تقریباً یک سده بعد از طبری، مرحوم شیخ مفید - از علمای شیعی که در اوایل غیبت کبری در بغداد می‌زیسته - در ثلث دوم کتابش به نام «الارشاد»، مقتل امام حسین(ع) را از مقتل کلبی و مدائنی نقل می‌کند. مدائنی (متوفی ۲۲۰ هجری) نسخه‌ای از مقتل هشام کلبی، که در واقع همان مقتل استادش ابومخنف بوده همراه با اضافاتی، در دست داشته است و اخبار را مستقیماً از آن نسخه نقل کرده است و نه به واسطه طبری.

فرق عمده کتاب شیخ مفید و طبری در این است که اسناد اخبار تنها در تاریخ طبری آمده است و مرحوم شیخ مفید برای رعایت اختصار، این اسناد را نیاورده است. بنابراین برای وقوف بر اسناد این اخبار، محققان به ناچار باید به تاریخ طبری رجوع و استناد کنند.

از سرنوشت ابی‌مخنف فقط تاریخ وفاتش در دست است که ۱۵۷ هجری، یعنی تقریباً ده سال پس از امامت حضرت امام کاظم(ع) می‌شود و ظاهراً در همان کوفه فوت کرده است. سوی این کتاب، ابومخنف تقریباً ۶۰ عنوان کتاب دیگر دارد. این اواخر کارشناس تاریخ عراقی به نام کامل جبوری، مجموعه این گزارش‌ها و اخبار و آثار بازمانده از ابومخنف را در کتابی ۴۰۰ صفحه‌ای جمع‌آوری کرده است.

در خصوص مذهبش، باید گفت که دلیلی بر تشیع ابی‌مخنف در دست نیست؛ اما اخبارش چنین دلالت می‌کند که به اهل بیت محبت و مودت داشته است. نجاشی - رجالی بزرگ شیعه و از شاگردان شیخ مفید - در توصیف او می‌گوید: «کارشناس اخبار تاریخی در کوفه بود و وجیه (نامدار) و مورد اعتماد در این اخبار بود» و این معنایش به اصطلاح رجالی، «وثوق» اوست، در عین حالی که تصریحی بر تشیعش ندارد.

مرحوم شیخ محمدتقی شوشتری نیز همین نظر را تأیید می‌کند و البته ۷۰۰ سال پیش، این

گفتگو با آیت‌الله محمدهادی یوسفی غروی

درنگی در مقتل سیدالشهدا(ع)

«منتهی‌الآمال» اثر شیخ عباس قمی. مرحوم محدث قمی ابتدا مقتلی به نام «نفس‌المهموم» تألیف کرد و در آن بیشترین اخبار مربوط به حادثه کربلا را که حتی شامل اخبار کم‌اعتبار می‌شود، گردآوری کرد؛ اما پس از مدتی کذب برخی از آن اخبار برایش واضح می‌شود. از این رو کتاب «منتهی‌الآمال» را تألیف می‌کند و از نقل اخبار ضعیف و نادرست خودداری می‌کند.

«القمقام الزخار و الصمصام البتار فی مقتل سید الأبرار» اثر حاج فرهادمیرزای قاجار نیز از مقاتل معتبر است.

«لهوف» اثر سید بن طاووس/ وی از مقتل خوارزمی حنفی بسیار استفاده کرده و بدان اعتماد نموده و همین سبب اشکالاتی در کتابش شده است. با این حال مقاتل بعدی آن‌چنان مملو از کذب است که لهوف در برابرشان، «نسبتاً معتبر» به حساب می‌آید. البته در موضوعات تاریخی همیشه باید دست به عصا بود و با احتیاط پیش رفت و تسلیم کامل هیچ کتابی نشد.

از جمله کتبی که اعتبار چندان بالایی ندارند، اما نسبت به بسیاری دیگر، بهتر است، کتاب «مقتل حسین بن علی(ع)» اثر عبدالرزاق موسوی مقررّم است. مرحوم آقای عطاردی آن را با عنوان «چهره گلگون حسین(ع)» ترجمه کرده است.

تفاوت کتاب «مقتل سیدالشهدا(ع)» که اخیراً ترجمه و منتشر شده، با اثر قبلی‌تان درباره مقتل ابومخنف در چیست؟

در کتاب «موسوعه التاريخ الاسلامی» به عصر امامت امام حسین(ع) که رسیدم، متحیر شدم آیا به همان مقتل تحقیقی ابی‌مخنف اکتفا کنم یا تحقیقی از نو شروع کنم؟ این تردید منتهی به آغاز تحقیقی دوباره و گسترده‌تر شد. طبیعتاً بین مقتل ابومخنف (وقعه‌الطف) و آنچه در بخش مقتل سیدالشهدا از موسوعه آمده، تفاوت‌هایی وجود دارد. اولین تفاوت اینک در «وقعه‌الطف»، من نه به عنوان نویسنده، بلکه به عنوان محقق کتابی تاریخی، دست‌انم باز نبود و باید در محدوده اخبار ابی‌مخنف کار می‌کردم نه بیشتر، مگر احیاناً در حد نکته‌هایی که در پاورقی متذکر می‌شدم؛ اما در «مقتل سیدالشهداء» (که در واقع بخشی از موسوعه التاريخ الاسلامی است)، به عنوان مؤلف دستم باز بود؛ هرچند در اینجا هم خمیرمایه اصلی همان اخبار ابومخنف است، همان‌طور که مثلاً خمیرمایه اصلی نفس‌المهموم محدث قمی نیز مقتل صحیح ابومخنف است.

در کتاب مقتل سیدالشهداء(ع) به این نکته عنایت کردم که حتی‌الامکان نقل اخبار از منابع تاریخی کهن و مخصوصاً تا قبل از قرن ششم هجری باشد و با سند معتبر به راوی حاضر و ناظر و شاهد و یا مباشر جریان برسد. می‌توان گفت خبری در این مقتل نیست که جواب آن سؤال اصلی را متضمن نباشد که «این اخبار از واقعه کربلا را چه کسانی نقل کرده‌اند و چگونه به ما رسیده است؟» این تفاوت اجمالی این دو کتاب است. تفاوت تفصیلی آن هم از حوصله این گفتگو بیرون است.

حضرت عالی سالیانی از عمر‌تان را صرف پژوهش‌های تاریخی کرده‌اید. با توجه به این تجربه، شیوه مطلوب تاریخ‌نگاری را چه می‌دانید؟

در خصوص تاریخ‌انم(ع) می‌توانم بگویم آنچه تا به حال نوشته شده، از نظر فنی و تاریخی از نوع «تذکره‌نویسی» تلقی می‌شود. در واقع بیشتر این آثار، کتاب «تذکره» و «تراجم» هستند نه کتاب تاریخ؛ چرا که در واقع شرح احوال تک‌تک معصومین است؛ هر معصومی را از نقطه ولادت شروع می‌کنند تا انتهای حیات او، یعنی شهادت. این شرح حال‌نویسی است و تاریخی‌نویسی شمرده نمی‌شود.

ادامه در صفحه بعد

ابی‌الحدید - صاحب شرح ۲۰ جلدی نهج‌البلاغه - هم هر گاه مطلبی از ابی‌مخنف آورده، تعبیر کرده است که او از اصحاب اخبار (یعنی اخبار تاریخی) است؛ اما او را به عنوان شیعه نمی‌شناسد.

حتماً مستحضرید که به موازات تحقیق و تصحیح شما، کارهای دیگری نیز درباره مقتل ابی‌مخنف شده است.

بله، بعد از ۲۰ سال که بنده مشغول کار بودم، متوجه شدم که کسی پیش از من در نجف اشرف متن اخبار معتبر مقتل ابی‌مخنف

را از تاریخ طبری جمع‌آوری کرده و البته بدون تحقیق، آنها را در کتابی چاپ و منتشر کرده است. من یک نسخه از آن را در دست محقق معروف، آقای حاج سیدمحمد حسینی جلالی کشمیری دیدم و جای دیگر ندیدم و ظاهراً این کتاب اصلاً تجدید چاپ نشد. در همان ایامی که بنده مشغول این کار بودم، گویا مرحوم آیت‌الله نجفی مرعشی به شخصی از اصحابشان به نام آقای حاج سیدحسن غفاری تبریزی اهمیت مقتل صحیح ابی‌مخنف را تذکر دادند و لذا او هم تقریباً همین کار جمع‌آوری از تاریخ طبری را کرده است. ایشان برخی از روات را در مقدمه کتاب معرفی کرده و البته اخبار مختار را هم که طبری در تاریخش به دنباله اخبار امام حسین(ع) آورده، ضمیمه کتاب کرده است. اما این نیز صرف جمع‌آوری است و تحقیقی بر روی خود این اخبار انجام نشده است. آقای جودکی نیز همین اخبار را جمع‌آوری و بدون تحقیق خاصی، در کتابی منتشر کرده‌اند.

کارهای نامبرده ماهیت تدوینی دارند و ارزش تحقیقی ندارند؛ یعنی عمدتاً تاریخ طبری به اضافه اخبار مختار را ضمیمه کرده‌اند و در حد تحقیقاتی که بنده روی اخبار مقتل ابی‌مخنف انجام داده‌ام، نیستند.

«مقتل‌نویسی» چه تفاوتی با «تاریخ‌نگاری»

مرسوم دارد؟

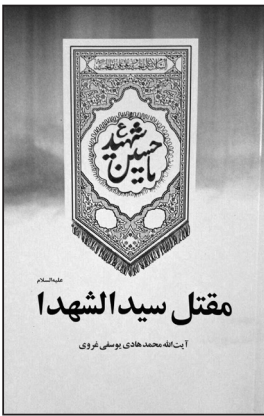
تاریخ‌نگاری اعم از مقتل است؛ یعنی نسبت این دو عام و خاص است. مقتل، بخشی از تاریخ است؛ آن بخش از تاریخ که ارتباطی ولو ارتباط مقدمی و مؤخری با سرگذشت قتل یک شخصیت نام‌آور باشد، «مقتل» است و اولین کسی که تعبیر «مقتل» را به کار برد، همین ابومخنف است.

کتابهای «مقاتل» با توجه به چه ضرورت‌هایی نگاشته می‌شده است؟

به اعتبار شخصیت مقتول، مطالب و نحوه جریانات جمع‌آوری شده است، که تابع مقدار موقعیت اجتماعی آن شخص در میان مردم است و انگیزه مخصوصاً اگر انگیزه دینی و عقیدتی باشد، طبعاً تقاضا برای آگاهی از اخبار کیفیت قتل آن شخصیت بزرگ، بیشتر می‌شود و به اعتبار این تقاضا، عرضه‌هایی انجام می‌گیرد. طبیعتاً برای ما مهمترین شخصیتی که این انگیزه را از نظر عقیدتی دارد، حضرت سیدالشهداء، امام حسین(ع) است.

با توجه به اهمیت موضوع و متقاضیان آگاهی در این خصوص، همان‌طور که گفتید، کتابهای مختلفی نوشته شده است. از نظر شما معتبرترین مقاتل موجود کدامند؟

مهمترین و قدیمی‌ترین و معتبرترین، همین «مقتل ابومخنف» است که بنده به تحقیق این اخبار پرداختم و آنها را در کتابی به نام «وقعه‌الطف» جمع کردم و آقای جواد سلیمانی آن را با عنوان «نخستین گزارش مستند از نهضت عاشورا» به فارسی ترجمه کرده است. دیگر مقاتل نسبتاً معتبر شیعه عبارتند از:



کودک و نوجوان زحمت مطالعه تاریخ اسلام و سیره گفتار خاندان پاک وحی را به خود نمی‌دهند و شعرهایشان معمولاً کلی‌گویی‌هایی است که چندان نکته آموزنده‌ای به کودک و نوجوان منتقل نمی‌کند.

بازار کتاب در قرق کتاب‌های زرد مذهبی

او نبود «خلاقیت» را یکی از ضعف‌های موجود در این دسته از آثار می‌داند و ادامه می‌دهد: موضوع خلاقیت و نوآوری مسئله بسیار مهم و حساسی است. نمی‌توان توقع داشت که تمامی شاعران و نویسندگان با خلاقیت در این عرصه حضور داشته باشند؛ کما اینکه در سال‌های پس از انقلاب یک جریان تجاری و سفارش‌نویسی نیز به راه افتاده است که اگرچه بخشی از این جریان با نیت حمایت از شاعران و نویسندگان این حوزه و خلق آثار تازه و افزون‌تر در این زمینه شکل گرفت، اما بخش دیگری با نیت کاسب‌کارانه و سوء استفاده از فضای مذهبی و اعتقادات و باورهای مردم شکل گرفت که این جریان به لحاظ سرمایه‌گذاری‌های گسترده بخش اغظمی از بازار تولیدات کتاب و محصولات فرهنگی را اشباع کرد و با اشغال ویتترین‌های کتابفروشی‌ها جا را برای دیده شدن آثار خوب و ارزنده تنگ کرد.

نبود نظارت دقیق از سوی مسئولان امر، راه را برای آثار ضعیف باز و عرصه را برای کتاب‌های خوب تنگ کرده است. در این آشفته‌بازار انتخاب نیز برای خانواده‌ها دشوارتر می‌شود. اگر در گذشته تنها چند کتاب گزینه اصلی انتخاب بودند، امروز گزینه‌های متعددی پیش روی خانواده‌هاست که با رنگ و لعاب خاص سعی در فروش بیشتر دارند.

کاستی دیگر آنکه نگاهی‌های کهن شیعیان نیز تاریخ خالص نیست و آمیخته است با نقل فضایل و ذکر مناقب و معجزات و دیگر امور غیبی، آن هم بدون تعیین تاریخ دقیق وقوع هر یک. سومین اشکال اینکه گزارش‌های ایشان برحسب توالی سالیان مرتب نیست و از این رو بیشتر از قبیل تراجم و شرح حال است تا ذکر تاریخ. ایراد چهارم اینکه نوشته‌های تاریخی متأخر و معاصر، اغلب از قبیل تحلیل تاریخی است و بیشتر مبتنی است بر متون فاقد تحقیق و گزینش مستند و مستدل، و جای یک متن تاریخی آنچنانی را گرفته است. حال آنکه تحلیل فرع بر تحقیق، و در واقع تعلیل (علت‌یابی) متن تحقیقی است.

نکته پنجم آنکه در نوشته‌های متأخران معاصر برای مراجعه به منابع، به جای عنایت به کهن‌ترین منابع شیعی و ترجیح آن، کوشش شده تا با انباشت و تکثیر کمی منابع هرچه بیشتر، حتی بدون تمییز دقیق میان سابق اصلی و لاحق فرعی و شیعی و جز آن، تأیید مطلب کنند. و البته می‌دانیم که آمیخته شدن گزارش‌های تاریخی با اخبار و روایات فضایل و مناقب و امور غیبی، بدون التزام به ذکر تاریخ وقوع هر یک، و سعی در استناد بیشتر به منابع غیرشیعی، ناشی از رویکرد دفاعی عقیدتی شیعه بوده است.

به هر حال جای یک متن تاریخی شیعی مرتب و فنی و خالص و بدون تحلیل، و با کوشش در یافتن کهن‌ترین منابع شیعی در حد امکان، و بسنده کردن به متون کهن‌تر و استوارتر و منابع اصلی، بدون افزودن منابع فرعی بعدی و نیز بدون درآمیختن وقایع تاریخی با مناقب و فضایل، مگر در قالب گزارش‌های دقیق تاریخی، خالی به نظر می‌رسید که به گمان نگارنده، این ویژگی‌ها در کتاب هشت جلدی «موسوعه التاریخ الاسلامی» ملاحظه شده است.

تجارت با دین در بازار کتاب

دینی کودک و نوجوان منتشر کرده است. او معتقد است وضعیت فعلی نشر کشور به صورتی است که ناشران معمولاً کمتر به سراغ کتاب‌های خوب می‌روند. ناشران معمولاً قبول نمی‌کنند که کتاب تألیفی در حوزه شعر و داستان منتشر کنند. یکی از ضعف‌هایی که این روزها و اخیراً در ادبیات کودک و نوجوان ورود کرده، تمایل ناشران به چاپ کتاب‌های دینی است. این رویکرد معمولاً در میان ناشران دولتی و سازمان‌ها بیشتر دیده می‌شوند.

برخی از کارهای مذهبی، به ضد مذهب تبدیل می‌شوند

پوروهاب ادامه می‌دهد: معمولاً این نهادها به نویسندگان سفارش دینی‌نویسی می‌دهند و با نگاه تجاری که به این قضیه دارند، سعی دارند کار مذهبی بیشتر چاپ کنند؛ از این رو کمتر به ژانرهای دیگر می‌پردازد. به همین دلیل چند وقتی است که اقبال به کتاب‌هایی که با موضوعات آزاد در حوزه کودک و نوجوان نوشته شده‌اند، کمتر شده است.

وی با بیان اینکه نهادهای دولتی تلاش دارند تا با چاپ متعدد این دسته از آثار وجهه خوبی برای خود رقم بزنند، می‌افزاید: خروار خروار کار مذهبی دارد منتشر می‌شود و بیم آن می‌رود که این کارهای به اصطلاح مذهبی، خود عامل ضد مذهبی شوند؛ چرا که سفارش‌نویسی از کیفیت کار می‌کاهد و این نوع نگاه تجاری در نهایت به ضرر آثار دینی است که با جان و علاقه نویسنده نوشته شده‌اند. گاه به دلیل شتاب‌زدگی و مسلط نبودن نویسندگان، ضعف‌های محتوایی نیز در این دسته از کارها دیده می‌شود.

به اعتقاد این شاعر کودک و نوجوان؛ در حال حاضر این ناشران هستند که بازار کتاب کودک و نوجوان را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند و ما در آینده نزدیک شاهد ایجاد خلأهای اساسی در

همین خبر به روایت اهل سنت، در روز سوم وقتی پیامبر(ص) به دیدنشان می‌رود، می‌بیند آنان از شدت گرسنگی مثل شاخه‌های درخت خرما در حال لرزیدن‌اند! در حالی که در منابع شیعه، مثل تفسیر قمی، آمده است که حضرت علی و حضرت زهرا یک روز روزه گرفتند و سه خوراک برای افطار داشتند: نان و خورش و حلوا. که در آن شب، سه نفر (یک فقیر و یک یتیم و یک اسیر) از ایشان درخواست صدقه کردند و آنان هر سه غذای خود را بخشیدند و آن شب را با آب افطار کردند.

بنده در کتاب موسوعه اولاً نسبت به سیره نبوی ملتزم هستم به اینکه چون آن زمان هر حادثه‌ای مربوط به تاریخ اسلام واقع شده، معاصر با نزول قرآن کریم بوده، پس چرا غفلت کنیم و تاریخ‌مان پا به پای نزول قرآن نباشد؟ البته حفظ این مبنا منوط به این است که اول موضع‌گیری اختیاری تحقیقی خودمان را از تاریخ نزول آیات و سور قرآنی تعیین کنیم؛ چون خود این موضوع اتفاقی نیست. مبنای بنده در درجه اول، تفسیر مجمع‌البیان شیخ طبرسی است و بعد کار تکمیلی - تحقیقی مرحوم علامه شیخ محمدهادی معرفت. این مبنای کارمان در ترتیب نزول آیات شد و این دفعه خود ترتیب نزول آیات و سور ملاک ترتیب و ترجیح اخبار تاریخی سیره نبوی شد، البته با امتیاز و توجه اینکه اخبار را در درجه اول از منابع شیعه نقل کنیم و در میان منابع شیعی هم نقل از منابع قدیمی‌تر در اولویت باشد، مگر اینکه منبع قدیمی‌تر به اندازه منبع متأخر معتبر نباشد.

همچنین در منبع اکتفا به منبع اقدم کنیم و دیگر به کتابهای دست دوم و سوم رجوع نکنیم. بلکه لازم است اخبار تاریخی، به نقل از قدیمی‌ترین منبع نزدیک وقوع حادثه نقل شود و از منابع غیرشیعه نقل نکنیم، مگر در پاورقی؛ یعنی اگر در منابع خودمان مطلبی خیلی مجمل یا مبهم آمده، تفصیلش را از منابع دیگران آن هم

تسnim؛در آشفته‌بازار کتاب کودک و نوجوان، بسیاری نیز در حال ماهی گرفتن از آب گل‌آلود هستند. نگاه تجاری به کتاب‌های دینی این روزها بیشتر از قبل عرصه را برای آثار خوب تنگ کرده است.

هرچند ردیای ادبیات دینی کودک و نوجوان در ایران را می‌توان از لابه‌لای کتاب‌هایی که در قالب حکمت و حکایت، در سده‌های گذشته نوشته شده، جست، اما ادبیات دینی کودک و نوجوان به شکل نظام‌یافته از دوره قاجار و کم و بیش از مجلات آغاز شد و تا امروز هم ادامه دارد. ادبیات دینی برای این گروه سنی به دلیل اعتقادات مذهبی مردم ایران و نویسندگان و استفاده از این مفاهیم برای رشد جامعه، یکی از ریشه‌دارترین گونه‌های ادبی است که از سابقه درخشانی برخوردار است.

با وجود این سابقه، ادبیات این حوزه برای گروه سنی کودک و نوجوان پس از انقلاب رشد چشمگیر داشته و مسیر جدیدتری را پیمود؛ رشدی که عمدتاً متأثر از فضای دینی حاکم بر جامعه بوده و پیروزی انقلاب و وقوع جنگ تحمیلی نیز بر آن را بیش از پیش کرد. حال بعد از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، به نظر می‌رسد ادبیات دینی کودک و نوجوان امروز مسیر رشد و دوران طلایی خود را نمی‌گذراند و به جای اینکه رونقی بیش از پیش داشته باشد، در چنبره موضوعات مختلف، گرفتار حواشی و آسیب‌های متعددی شده که از جمله این موارد می‌توان به ضعف در تألیفات اشاره کرد. هرچند این سستی و کاستی عمدتاً در تمامی حوزه‌های ادبیات کودک و نوجوان(آثار تألیفی) دیده می‌شود، اما انتظار اولیه بر این است که کتاب‌های دینی استوارتر و یا به عبارتی، استخوان‌دار منتشر شود.

محمود پوروهاب، از جمله نویسندگان کودک و نوجوان است که آثار متعددی در زمینه کتاب‌های

ادامه از صفحه قبل

روش تاریخی باید التزامش به عمود تاریخی یعنی به تسلسل تاریخ باشد. روش تاریخی، سالشماری و سالنامه‌ای است. در هر سال باید حوادث آن سال ذکر شود بدون ذکر حوادث قبل و بعد از آن سال. این تا به حال در کتب تواریخ شیعی مورد ملاحظه نبوده است.

«موسوعه التاریخ الاسلامی» همین شیوه تاریخ‌نگاری را در پیش گرفته و همچون سایر منابع تاریخی ما، تذکره‌نویسی نیست. جهت دیگر آنکه بنده به تألیف موسوعه مذکور پرداختم، این بود که دیدم در منابع تاریخی شیعه، به هر معصومی که پرداخته می‌شود، وارد جنبه ذکر مناقب می‌شوند و بر سر دوراهی نقل اخبار مناقب از منابع شیعی یا غیرشیعی، می‌روند سراغ منابع غیرشیعی، تا جنبه اقراری و اعترافی داشته باشد. اما این رویه، اشکال مهمتری را ایجاد می‌کند که گفته می‌شود شما (شیعیان) تاریخ ندارید، حتی تاریخ ائمه خودتان را از منابع ما نوشته‌اید!

مرحوم شیخ صدوق در کتاب عیون اخبارالرضا(ع) از ابن ابی‌محمود - از روات امام رضا(ع)- نقل می‌کند که حضرت او را ارشاد کردند که دنبال فضایل ما از طرف مخالفان ما مباحثید؛ چون آنان این فضایل را غالباً بی غل و غش و بی‌غرض و مرض بیان نمی‌کنند. از باب نمونه قضیه اطعام یتیم و فقیر و اسیر در شرح آیات سوره «هل اتی»، در اخبار اهل سنت آمده است که اهل بیت در سه شبانه روز، روزه گرفتند و افطارشان را به یتیم و فقیر و اسیر دادند. متأسفانه این خبر از کتب اهل سنت به کتب شیعه راه یافته است.

حال بعضی اشکال می‌کنند که: با چه وجه شرعی بچه‌های کوچک سه روز روزه بگیرند بدون هیچ افطاری و سحری! طبق بعضی نقلهای

عرصه ادبیات کودک و نوجوان و ژانرهای متنوع آن خواهیم بود.

از سوی دیگر، برخی دیگر از نویسندگان و شاعران بر این باورند که نوشتن درباره مسائل مذهبی در ادبیات کودک و نوجوان در سال‌های اخیر، با ساده‌نویسی داستان‌های قرآنی و زندگی ائمه اطهار(ع) یکسان پنداشته شده است. ناشران بدون توجه به نیاز ایجاد خلاقیت و نوآوری در این عرصه به منظور جذب مخاطب کودک و نوجوان، دست به انتشار کار با این تم برای رسیدن به سود بیشتر می‌زند. ظاهراً بازگشت سرمایه در این زمینه عموماً قطعی است و همین، مایه انگیزه برای چاپ آثار متعدد، بی‌توجه به محتوا و فحوی کلام کتاب شده است.

تجارت با حذف خلاقیت

کامران شرفشاهی، از جمله شاعرانی است که در زمینه شعر نوجوان فعالیت دارد. او در این رابطه می‌گوید: نباید حضور در این قلمرو و سرودن برای کودکان و نوجوانان را سهل و آسان پنداشت؛ بالعکس این حوزه نیز دارای ظرایف و دقایق خاص خود است و شاعر می‌بایست با کلامی بسیاری ساده و روان و متناسب با گروه‌های سنی، مضامین و مفاهیم مورد نظر خود را ارائه کند. به این لحاظ بسیاری از شاعران از ورود به این عرصه خودداری می‌کنند و توانایی حضور در این عرصه را در خود نمی‌یابند. در این میان، برخی از شاعران اعتنای چندانی به دشواری‌های موجود در این عرصه ندارند و اصرار دارند که حتماً در این زمینه طبع آزمایی کنند. در آثار این شاعران واژه‌های ثقیل و بیان مفاهیم سنگین برای سنین کودکان و نوجوانان احساس می‌شود و معمولاً چنین توجهی می‌کنند که نباید کودکان و نوجوانان را دست کم گرفت.

شرفشاهی به ضعف محتوا در برخی از این آثار اشاره می‌کند و می‌افزاید: برخی از شاعران

با رعایت منبع اقدم تکمیل کنیم.

این نسبت به سه جلد اول سیره نبوی(ص) بود و اما نسبت به بقیه مجلداتی که مربوط ائمه علیهم‌السلام است (تا انتهای غیبت صغری یعنی تا اواخر ۳۳۰ق)، همه موارد را به صورت تسلسل تاریخی آورده‌ایم؛ یعنی حتی مطاعن حاکمان جور را هم آورده‌ایم، اما به صورت جنبه تاریخی؛ یعنی خبری را بیاوریم که تاریخ وقوعش روشن باشد یا دست کم مستنبط التاریخ باشد و با همین قید و شرط، فضایل و مناقب ائمه را بیاوریم که بشود اسمش را تاریخ گذاشت.

در ذکر اخبار تاریخی شرط اول آن است که زمان وقوع حوادث مشخص شود تا بتوان به عنوان حادثه تاریخی ذکرش کرد. پس اخبار فضایل و مناقب هم آورده می‌شود؛ اما نه هر فضیلت و منقبتی. فضیلت و منقبت هرچه هم حساس باشد، همین که تاریخش نامعلوم باشد و به قرآینی متوجه نشویم مربوط به چه زمانی است، نمی‌شود به عنوان تاریخ و در ضمن کتاب تاریخ آورد. بنابراین در یک کلمه در تواریخ شیعه، تاریخ و کلام و عقاید و فضایل و مناقب همه با هم است که اصلاً نمی‌شود به آنها کتاب تاریخ گفت، مگر به معنای عام کلمه؛ اما کتاب موسوعه از این خلط بر کنار است.

در مقدمه «مقتل سیدالشهدا(ع)» نیز مطالب بسیار مهمی را اجمالاً ذکر کرده‌اید که به نوعی راهکار تاریخ‌نویسی با رویکرد شیعی محسوب می‌شود.

آنجا به چند اشکال شیوه تاریخ‌نویسان اشاره کرده‌ام که فکر می‌کنم با رفعشان می‌شود به سبک درست تاریخ‌نگاری دست یافت؛ از جمله اینکه: بیشتر نگاشته‌ها درباره تاریخ اسلام و تشیع و شیعه و پیشوایان آنان، دچار این کاستی است که یا تراوش قلم غیرشیعیان است، یا مبتنی است بر منابع غیرشیعی.

ادامه از صفحه اول

این واقعیت امر در آغاز تأسیس و پیدایش حزب بود و نیز تأیید کتبی آیت‌الله شریعتمداری از حزب خلق مسلمان، هم در پاسخ هیأت مؤسسين - پس از ارائه مرام‌نامه و اساسنامه - و هم در پاسخ علما یا مردم عادی بلاد دیگر به طور رسمی آمده که ما در اینجا به یکی دو نمونه از آنها اشاره می‌کنیم: آیت‌الله شریعتمداری در آغاز امر، در پاسخ به نامه هیأت مؤسسين که از ایشان درخواست راهنمایی کرده و نوشته بودند: «... عناصر فرصت طلب با سوءاستفاده از آزادی اسلامی، دستجاتی تحت عناوین مختلف تشکیل داده و جوانان را به ایدئولوژی‌های ضد اسلامی دعوت می‌کنند، لذا تنی چند از افرادی که در طول دوران استبداد و خفقان رژیم منحوس پهلوی در اثر مبارزات مردانه خود بارها در زندان و تبعید گرفتار شده و انواع و اقسام شکنجه‌های روحی و جسمی بر آنها وارد آمده و همواره جلوی زبان و قلمشان گرفته شده است، تصمیم گرفته‌اند که در کنار سایر احزاب و جمعیت‌های موجود اسلامی جمعیتی با مرام‌نامه پیوست تشکیل دهند و به کار ارشاد جوانان و تأیید کامل جمهوری اسلامی و آگاهی دادن به مردم مسلمان بپردازند.» چنین اظهار نظر کرده‌اند: ۱۳۵۷/۱۲/۲۳»

بسمه تعالی

با توجه به دستورات اسلامی در مورد آزادی‌های فردی و اجتماعی در یک جامعه اسلامی، جای هیچ گونه تردیدی نیست که افراد مسلمان فعال و مؤمن نیز می‌توانند با استفاده از فرصت‌هایی که جمهوری اسلامی ایران در اختیار همگان قرار می‌دهد، با تشکل به فعالیت‌های خود ادامه دهند و در این راه با احزاب و گروه‌های اسلامی دیگر نیز همکاری و همفکری کامل و نزدیک داشته باشند که هدف همه آنها خدمت به اسلام

و مسلمین است. از این جهت تأسیس حزب اسلامی به وسیله آقایان، به نام حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران با مرام‌نامه ارسالی، مورد تأیید کامل اینجانب می‌باشد و عضویت در آن حزب و سایر احزاب اسلامی که زیر نظر جامعه روحانیت فعالیت دارند نه تنها بلامانع بلکه یک وظیفه اسلامی و ملی است. از خداوند متعال توفیق همه احزاب اسلامی را در راه برقراری جمهوری اسلامی خواستار است. سید کاظم شریعتمداری

البته پس از اعلام موجودیت و آغاز فعالیت رسمی حزب، به طور طبیعی و در گوشه و کنار، مخالفت‌هایی به عمل آمد... بعضی‌ها به تصور اینکه این

حزب، برای مقابله با «حزب جمهوری اسلامی» تأسیس شده به «نق»! زدن مشغول شدند... عده‌ای هم که با اصل «تجرب» مخالف بودند، به اصطلاح خود از دیدگاه مذهبی، اشکال تراشی نمودند و گروه‌های چپ‌نما هم آن را حزب فنودال‌ها و سرمایه‌داران! نامیدند و در این میان، ناگهان جناب شیخ صادق خلخال، مانند احمد رشیدی مطلق!، مطلب مقاله‌مانندی را در روزنامه اطلاعات منتشر ساخت و ضمن اهانت به آیت‌الله شریعتمداری به شخصیت‌های حزبی و خود حزب هم تا می‌توانست! تاخت و حمله کرد و آنها را عوامل بیگانه! خواند. نشر این مقاله باعث پیدایش نگرانی‌هایی در بین مقلدان آیت‌الله شریعتمداری و هواداران حزب در اغلب بلاد - به ویژه در شهرهای آذربایجان غربی و شرقی - شد و احتمال

گفتگو با استاد سید هادی خسروشاهی

بخش اول

چگونگی تأسیس و انحلال حزب خلق مسلمان

تفکیک مشاغل اعضا نبود، نمی‌توان به طور دقیق گفت که چه قشرهایی از مردم در اکثریت قرار داشتند.

■ چرا حزب در ابتدای کار با تشکیل نظام جمهوری اسلامی موافقت کرد و مردم را به رأی دادن به این نظام تشویق نمود اما در ادامه راه با قانون اساسی مخالفت کرد؟

مؤسسين حزب خلق مسلمان، طی نشست‌های رسمی خود، خواستار شرکت در انتخابات برای تشکیل نظام جمهوری اسلامی به عنوان یک امر واجب از لحاظ شرعی و یک امر ضروری از لحاظ ملی بودند و به همین دلیل در بیانیه رسمی خود، شرکت کامل و همه‌جانبه حزب را در انتخابات قانون اساسی اعلام کرده و حتی یک نفر هم در رأی‌گیری کمیته مرکزی

حزب - اعضای مؤسسين - مخالفتی ابراز نمود و به همین دلیل بیانیه رسمی صادر گردید... البته بعدها عوامل «نفوذی» به اخلال پرداخته و ابراز مخالفت کردند و حتی بیانیه رسمی حزب را، بدون آنکه صلاحیتی داشته باشند، ملغی اعلام نمودند که با اعتراض و مخالفت شدید مؤسسين روبرو گردید.

■ دلایل مخالفت حزب خلق مسلمان با قانون اساسی چه بود؟

حزب خلق مسلمان رسمی و قانونی و اصلی، هرگز با همه‌پرسی قانون اساسی جدید دوران انقلاب، مخالفتی نداشت، بلکه به شدت از آن دفاع و پشتیبانی می‌نمود... اما عوامل نفوذی، پس از چند ماه در یک کودتای کودکانه چپ‌گرایانه! به مخالفت با قانون اساسی پرداختند و حتی اعلامیه‌ای به اسم «حزب» صادر کردند که همراه «جبهه ملی» و «سکولارها» و «چپ‌گراها»، برای مخالفت با همه‌پرسی قانون اساسی جدید در تظاهرات خیابانی! شرکت خواهند کرد... که داستان آن طولانی است... پس در کل: حزب با قانون اساسی مخالف نبود، بلکه کودتاچیان چپ‌نما که می‌خواستند سیطره خود را بر حزب حاکم سازند با آن به مخالفت برخاستند... و همین امر، یکی از دلایل اصلی استعفا و اعلام انحلال حزب از طرف مؤسسين اصلی بود که این نیز داستان مفصل دیگری دارد... و من در کتاب خود به آن پرداخته‌ام.

■ موضع و نظر بقیه مراجع و علمای اسلام آن زمان نسبت به حزب چه بود؟

مراجع و علمای دیگر، نوعاً در این قبیل مسائل دخالت مستقیم نداشتند. در مورد حزب جمهوری اسلامی یا حزب خلق مسلمان اول نیز همین روش را داشتند، یعنی نه تأیید رسمی کردند و نه موضع منفی گرفتند... البته به طور استثناء درباره حزب خلق مسلمان، شخصیت‌های برجسته‌ای از علمای بلاد و یکی از مراجع شهر مشهد مقدس، مرحوم آیت‌الله سید عبدالله شیرازی، به طور مکتوب از حزب پشتیبانی کردند و این البته ناشی از برداشت و موضع‌گیری کلی آنها در مورد دخالت مستقیم درباره مسائل سیاسی روز بود.

یا مثلاً در تبریز، مرحوم آیت‌الله آقا میرزا عبدالحمید شریانی از علما و فقهای معروف، طی اعلامیه‌ای، پشتیبانی و تأیید خود را از حزب خلق مسلمان اعلام داشت. علاوه بر اینها، البته اعلامیه‌هایی هم از طرف بعضی دیگر از علمای بلاد صادر و منتشر گردید که نقل همه آنها در این گفتگو ضرورتی ندارد.

مکتب اسلام بود که می‌بایست از طرق قانونی و با ایجاد یک تشکل حزبی نیرومند، در عملی ساختن آن کوشا باشیم و با تعاون و همکاری با دیگران، از نفوذ و سلطه مجدد دشمنان جلوگیری کنیم... این هدف کلی مطرح شده در مرام‌نامه و اساسنامه بود که متن کامل هر دو را در کتاب: «تاریخ پیدایش و سقوط حزب خلق مسلمان» که هنوز چاپ نشده



یکی از جلسات مشورتی مراجع تقلید در منزل آیت‌الله العظمی گلپایگانی - سال ۱۳۵۸

است، آورده‌ام.

■ گردانندگان اصلی و تئوریسین‌ها و حامیان مالی حزب چه کسانی بودند؟ و اصولاً چه صنف و قشرهایی از مردم در حزب ثبت‌نام می‌کردند؟

این سؤال در واقع شامل چند موضوع است که به طور خلاصه به آنها اشاره می‌کنم: الف: گردانندگان اصلی و یا به قول شما تئوریسین‌های حزب، همان عناصر اصلی هیأت مؤسسين بودند و البته کلمه «تئوریسین»! به مفهوم مصطلح آن، درباره هیچ یک از آنها صدق نمی‌کرد!

ب: حزب در آغاز هزینه زیادی نداشت. همه اعضای هیأت مؤسسين، داوطلبانه کار می‌کردند و حقوقی به هیچ وجه دریافت نمی‌شد. بعضی

از آنها مانند آقایان: حاج کریم انصارین، حاج هاشم شبستری‌زاده، حاج موسی شیخ‌زادگان، از بازاریان معروف و تقریباً افراد ثروتمندی بودند و در مراحل نخستین، خودشان یا افرادی توسط آنها، هزینه‌های جاری حزب را تأمین می‌کردند... و در مواقع دیگر، مهندس سید حسن شریعتمداری، فرزند آیت‌الله شریعتمداری، پرداخت هزینه‌ها را به عهده می‌گرفت که قاعدتاً از والد خود دریافت می‌کرده است و در کل با توجه به شرایط حاکم بر اوضاع آغاز پیروزی انقلاب و عدم توجه افراد به مادیات، اشکالی در این زمینه مطرح نبود. هیأت

مالی حزب، از دوستان بازاری که به نام برخی از آنها اشاره کردم، تشکیل شده بود و البته اینجانب به طور مطلق، در امور مالی آن دخالتی نداشتم و هزینه چاپ روزنامه «خلق مسلمان» هم که بنده سرپرست آن بودم، به عهده هیأت مالی حزب بود که به طور مستقیم با چاپخانه در تماس بودند.

ج: حزب در آغاز مانند بقیه سازمان‌های سیاسی، با استقبال عظیم مردمی روبرو شد و علاوه بر تهران - مرکز - از استان‌ها و شهرستان‌ها هم درخواست برای تأسیس واحدهای حزبی و همکاری بسیار زیاد بود. در بین این افراد، از همه صنف‌ها و قشرها اعم از روحانی، روشنفکر، استاد دانشگاه و حوزه، نویسنده، بازاری، کارگر و کسبه دیده می‌شدند... و چون در اوایل، حزب دارای تشکیلات لازم برای نام‌نویسی و سازمان‌دهی و

داشت واکنش‌های تندی به وجود آمد که آیت‌الله شریعتمداری خود در پاسخ به نامه مردم شهرستان خلخال، ضمن دعوت مردم به آرامش، بار دیگر حزب را مورد تأیید قرار داد. متن این نامه که به شکل اعلامیه‌ای در سراسر ایران پخش و موجب آرامش مردم گردید، چنین بود:

«۱۴/۱/۹۹

بسمه تعالی

اهالی محترم شهرستان

خلخال و حومه

با ابلاغ سلام و تحیات از اینکه به حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران، که مورد اعتماد ما بوده و برای تحکیم مبانی اسلامی و تقویت حکومت جمهوری اسلامی تشکیل و برقرار کرده‌اند، اظهار تمایل نموده و عده‌ای عضویت آن را پذیرفته‌اید،

خوشحال شدیم. متأسفانه اظهار نمودند که بعضاً کسانی نسبت به حزب مزبور اظهار مخالفت و اشکال تراشی می‌کنند، ما آن اشخاص را نصیحت می‌کنیم که به عناصر ضد انقلاب و دسیسه‌های آنان کمک و یاری نکنند و باعث اختلاف و دودستگی نشوند. در جایی که احزاب سیاسی و حتی احزاب ضد مذهب، آزادانه مشغول کارهای خودشان هستند، چرا برای حزب اسلامی مشکل ایجاد می‌کنند؟ البته در صورت ادامه این کارها، ما هم به وظیفه شرعی خود عمل کرده و اعلامیه مناسب حال آنان خواهیم داد. همه مؤمنین در هر کاری باید خدا را در نظر بگیرند.

سید کاظم شریعتمداری

■ مفاد اساسنامه حزب خلق مسلمان را چه مباحثی تشکیل می‌داد؟



علامه صدر بلاغی به هنگام اعلام رسمی موجودیت حزب خلق مسلمان در جمع خبرنگاران

مفاد مرام‌نامه - به عنوان مقدمه اساسنامه - و خود اساسنامه، در واقع کلیاتی درباره چگونگی تشکیلات سازمانی حزب و ضرورت ایجاد یک جامعه اسلامی ایده‌آل و مترقی مطابق با زمان و تشکیل نظامی در راستای تحقق اهداف انسانی، با اجرای احکام شرعی و مراعات حقوق و آزادی همه افراد جامعه در پرتوی حکومت قانون بود...

مرام‌نامه و اساسنامه، در راستای برداشت‌های صحیح از اسلام راستین تنظیم شده بود و به طور جد و قاطع، پشتیبانی آن از مبانی اساسی جمهوری اسلامی اعلام شده بود.

نقل متن یا محتوای اساسنامه، در یک گفتگوی کوتاه، مقدور نیست ولی در یک جمله می‌توان گفت: مبانی فکری مطرح شده در مرام‌نامه و اساسنامه، همان تحقق آرمان‌های والا و ارزشی

نکوداشت یک عمر جهد علمی آیت الله سید رضی شیرازی

خصوصیات دیگری هم دارند. ایشان بقیه السلف ماضی هستند به اعتقاد من، ویژگی ایشان جامعیتشان است. یکی از خصوصیات حوزه های قدیم این بود که صرفاً یک رشته نمی دانستند و جامع معقول و منقول بودند اما متأسفانه در دوره کنونی دانشگاه و حوزه



ادامه از صفحه اول

اما امروز واقعاً باعث تأسف است که روز به روز این شور و نشاط کمتر می شود در حالی که باید زیادتیر شود. ما هر عالمی که از دنیا می رود می گوئیم متأسفانه جانشین ندارد، در حالی که سنت اسلامی مبنی بر این بوده که هر عالمی که در ۳۰ سال به یک مرتبه ای رسیده در ۲۰ سال به شاگردش درس بدهد و آن ۱۰ سال را شاگردان آن علم را ترقی و تعالی ببخشند و حتی محمد بن زکریای رازی در کتاب «الشکوک علی الجالینوس» می گوید: سز این که متأخرین با سوادتر از متقدمین هستند، همین است که اگر بنا باشد نسلی بعد از نسل علم تنزل کند، یعنی علم به کجا کشیده می شود؟!

و قطب الدین شیرازی نیز در اول کتاب «شرح الکتاب القانون تحفه السعديه» می گوید: زبان آورترین جمله ای که در مدارس علمیه گفته شده این جمله بوده است: «ماترک الاول للآخره شیء»

اگر طلبه بیاید بگوید: «من هر کاری کنم به مرتبه آیت الله برورجی نمی رسم»، این غلط است. باید بگوید من باید معلومات ایشان را بدست بیاورم و بعداً چیزی بر آن ها بیافزایم.

الآن آن سنت علمی که در آن وقت وجود داشت، کاملاً بر عکس شده است. چه استاد دانشگاه چه استاد حوزه. کجاست حاج محمد تقی آملی؟ وقتی آیت الله آملی به من می فرمودند که: من و آقای آیت الله حسن زاده آملی دوتا بچه ۱۶ تا ۱۷ ساله از مازندران به اینجا آمده ایم و اگر حمایت مادی و معنوی آقای شیخ محمد تقی آملی نمی بود، ما دو نفر می بایست شاگرد بقال می شدیم. ببینید یک چنین محیطی وجود داشت. آن وقتی که آقا میرزا مهدی آشتیانی در مدرسه سپه سالار قدیم به من حجره و حقوق دادند و شهریه معین کردند، من کوچکترین طلبه آن مدرسه بودم و استادها تشویق می کردند و طلاب را به منزله فرزندان خود می دانستند. امیدوار هستیم که این مجالس و بزرگداشت این بزرگان باعث ارتقاء علم و دانش شود. حال این علم و دانش در حوزه یا در دانشگاه باشد.

سپس، پیمای تصویری از حضرت آیت الله سید جعفر سبحانی پخش شد.

آیت الله سبحانی در بخشی از این پیام تصویری ضمن اشاره به آیه ۱۱ سوره مجادله گفت: خداوند در این آیه، ملاک تکریم و عظمت را دو چیز قرار داده، یکی ایمان و دیگری علم. آیت الله سید رضی شیرازی حاصل شجره پاک و عظیمی است که در رأس آن مرحوم سید حسن شیرازی قرار دارد.

در ادامه این مراسم آیت الله سید مصطفی محقق داماد عضو فرهنگستان علوم گفت: تاریخ اجتهاد شیعی نشان می دهد که در مقاطعی از تاریخ، همواره با تحولات مختلفی مواجه بوده است. که من در کتابچه تحولات اجتهاد شیعی، مکتب ها، حوزه ها و روش ها نوشته ام. آنچه که تاریخ خودش را نشان می دهد آغاز قرن معاصر یکی از تحولات اجتهاد شیعی است. من در این کتاب اشاره کرده ام که حوزه سامرا با حوزه نجف تفاوت دارد و به حوزه قم بیشتر شبیه است. علتش هم این است که موسس حوزه قم، یکی از شاگردان مرحوم میرزای شیرازی بوده است. آنچه که در حوزه سامرا نقطه تحول است، چیست؟ به نظر اینجانب آنچه که در حقوق معاصر به آن می گویند حقوق عمومی، یا به تعبیری فقه عمومی، نقطه جهش و تحول عظیم در فقه عمومی، در مکتب سامرا بنیان گذاری شده است. مباحث سیاسی یکی از مواردی

است که به مصلحت تصمیم گرفته می شود. به طور کلی مرجعی به مصلحت تصمیمی می گیرد اما گاهی یک فقیه در چارچوب فقاقت تصمیمی می گیرد و با ادله سنتی، قضیه را حل می کند. این نکته، نکته بسیار عظیمی است در قضیه مکتب سامرا. شاید از دور کسی شنیده باشد که میرزای شیرازی ناگهان بر اساس مصالحی، تصمیمی گرفت. ما هم در جوانی چنین خیال می کردیم ولی این طور نیست. شما کتاب جنبش تنبکو را که شیخ حسن کربلایی که مرد بزرگی است را ملاحظه کنید که در چهل سالگی فوت کرده است و هنگامه ای است این مرد و آثارش متأسفانه به ما نرسیده است. (من از حضرت سید بزرگوار شهرستانی خواهش می کنم که تحقیق کنند که یادداشت های مرحوم کربلایی، که در فقه معاملات در یک دوره کامل، به طوریکه نقل می کنند از ایشان باقی مانده، کجاست؟ و چاپ کنند. دست ایشان را می بوسم.) این مرد کتابی درباره جنبش تنبکو نوشته است و من نکته ای را برای اولین بار مبتنی بر این سلسله سند معتبر می خواهم نقل کنم. بلاواسطه از مرحوم آیت الله شیخ مرتضی حائری نقل می کنم که ایشان هم بلاواسطه از پدرشان نقل می کردند که جریان تنبکو نزدیک شده بود به ماه رمضان و میرزای شیرازی درس عمومی را تعطیل کرد و تمامی شب های ماه رمضان جلسات فقهی برگزار کرد و تمامی فضایی درجه یک را دعوت کرد و نیز شاگردان بزرگش را به آن جلسات دعوت کرد و گفت: در خصوص فتوای مربوطه بحث فقهی کنید، که آیا این فتوا صادر بشود یا خیر؟ این مباحث فقهی هر شب به صورت طرح و نقد مطرح شد، ایشان گفت هر کس که موافق صادر شدن این فتواست، استدلال کند. همه را ایراد و اشکال گرفت، تمامی سسی شب ماه مبارک رمضان، به همین سبک سنتی و فقهی و محکم ادامه یافت. شب های آخر فرا رسید. نقل می شود که سید محمد فشارکی، که خود یک فقیه بزرگی بود، یک روز صبح زود آمد سراغ من، که بریم پیش میرزا دونفری و من همراه ایشان رفتیم منزل میرزا. گفت: ایشان نشست مقابل میرزا و کرد به میرزا و گفت: آقا چند لحظه، حق استادی را از من بر دار تا من با صراحت با شما صحبت کنم. میرزا گفت: آزادید شما هر چه می خواهید بگوئید. با او تندی گفت: آقا سید! چقدر تقیه می کنی! این همه استدلال بازم تردید می کنی گفت: به اینجا که رسید، میرزا دست کرد زیر تشکش و کاغذی در آورد و گفت: من می خواستم قصد اجازت از مقام دیگری کسب کنم. امروز به سرداب مقدس سامرا مشرف شدم و با توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه، این متن را آوردم. وی در انتهای سخنانش به بیان ویژگی شخصیت آیت الله سید رضی شیرازی پرداخت و گفت: آیه مبارکه که تلاوت کردم: «فَی بَیُّوتِ اَئِنَّ اللّٰهُ اَنْ تُرْفَعَ، عَلَامَهُ طِباطُبایی گفته اند این «فی» به کجای آیه بر می گردد. اهل سنت گفته اند که این فی که حرف جر است به آخر آیه برمی گردد، در حالیکه اینگونه نیست. در آیه اللّٰهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ، نُورِ کجاست؟ این نور کجا ها می تابد؟ فی بَیُّوتِ اَئِنَّ اللّٰهُ اَنْ تُرْفَعَ، به دامن های پاک که شخصیت های بزرگوار هستند می تابد. بر افرادی که مصداق حُجُورِ طَابَاتٍ و طَهْرَتْ و اَنْوَفِ حَمِیْهِ و نَفُوسِ اَبِیْهِ هستند و نمی توانند ذلت را تحمل بکنند.

وی با ذکر این امیدواری که حوزه مکره قم از هر گونه حوادث مصون بماند و برای این ملت، ذخیره و پشتیبان استقلال و آزادی باشد، گفت: آیت الله سید رضی شیرازی، غیر از شرافت و اصالت

ایشان بقیه السلف ماضی هستند به اعتقاد من، ویژگی ایشان جامعیتشان است. یکی از خصوصیات حوزه های قدیم این بود که صرفاً یک رشته نمی دانستند و جامع معقول و منقول بودند اما متأسفانه در دوره کنونی دانشگاه و حوزه طلاب به یک یا دو رشته علمی محدود گشته اند. دومین ویژگی ایشان متن گویی، متن محوری و تخصص در متون است. که امیدواریم روش سنتی حوزه های علمیه به روش سنتی خود ادامه بدهد. در ادامه این مراسم آیت الله ابوالحسن طبرستانی از اساتید حوزه، ضمن ذکر خاطراتی از دوران تحصیلشان در سال ۱۳۲۹ شمسی، در محضر آیت الله سید رضی شیرازی گفت: در مدرسه مروی برای آموختن درس مطول، کسی جز آیت الله شیرازی، بیایقت نداشت. مباحث را خواندیم اصول را هم دیدیم فقط ایشان شایسته تدریس هستند. سپس هم در فلسفه، اشارات را نزد ایشان خواندیم. پس بنابر این آقای شیرازی حق استادی بر گردن من دارند. اگر کسی بگوید چرا آقای شیرازی رساله ننوشت است باید گفت ایشان احتیاط کردند و گرنه ایشان مجتهد جامع شرایط هستند. بزرگداشت آیت الله شیرازی باید هر روز باشد نه اینکه صرفاً محدود به یک روز باشد زیرا ایشان زحمت عظیمی در راستای معرفی دینیه و علم کشیده است. افلاطون الهی به شاگردش اسکندر وصیت کرده که با اراده به خودت زحمت بده آنگاه زنده می مانی حضرت آقای سید رضی شیرازی هم با اراده به خودش زحمت داده است.

سپس حجت الاسلام سید محمود دعایی، پیام وی درباره جایگاه آیت الله سید رضی شیرازی گفت: من در نجف اشرف که بودم ناظر دو پذیرایی ویژه توسط مرحوم امام (ره) بودم. یکی برای مرحوم آقا جلال آشتیانی بود. مرحوم آشتیانی وقتی با آقا مصطفی می نشستند خیلی دوستانه و صمیمی بحث می کردند. طبیعتاً مباحث آنها فلسفه و کلام بود. به ناگهان در خلال این مباحث، مرحوم آشتیانی عصبانی شد و گفت: خمینی ها این را درک نمی کنند. در این هنگام متوجه حضور امام (ره) شد و گفت: به جز یک نفر! در اینجا امام (ره) گفتند: آقا جلال! آن را هم استثنا نکن. دومین پذیرایی باشکوه از حضرت آیت الله سید رضی شیرازی بود. لحظه ای بسیار حساس و برخورد فوق العاده گرم و صمیمی بود. من شاهد بودم امام نسبت به این بزرگوار اعزاز و اکرام داشتند و بعد از انقلاب هم در جریان هستند که ایشان را به عضویت خبرگان قانون اساسی تشویق کردند و بالاخره ایشان پناهگاه معنوی و درسی بودند. ایشان در بین همگنان خود، ستاره هستند و من سالی یک بار در ماه رمضان توفیق حضور در محضر ایشان را دارم و خدمت ایشان می رسم.

سپس، حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی مهدوی راد از اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران و از شاگردان آیت الله شیرازی، در ادامه این مراسم ضمن برشمردن ویژگی های برجسته آیت الله سید رضی شیرازی گفت: آیت الله شیرازی، مرزبان اعتقادی و دینی ماست. مرزبانی دارای یک سری مؤلفه هایی است که یکی از آنها اهلیت است. مؤلفه دوم زمان شناسی است مؤلفه آخر هم اخلاص است. مجموع این سه مؤلفه موجب میشود که مرزبان لوازم را بشناسد و چون شمع بسوزد تا برای دیگران زندگی بسازد.

وی گفت: آیت الله سید رضی شیرازی یک ویژگی بزرگی دارد و آن قرآن فهمی و تفسیر قرآن ایشان است. برای مثال ایشان در تفسیر قرآن به قرآن برای آیه ای از سوره قیامت به ۱۶ آیه استناد کرده و پرداخته اند. نگاه آیت الله شیرازی در تفسیر قرآن شان نگاهی تمدنی است که آیات قرآن را با مسائل روز درگیر می کند.

پس از پخش کلیپی به نام ره یافتگان، دکتر منوچهر صدوقی سها از اساتید و پژوهشگران فلسفه اسلامی گفت: آیت الله شیرازی امروزه در رأس حوزه فلسفی تهران هستند. ایشان تدریس طولانی دارند و آثار مکتوب عظیمی دارند. امسال که سال ۱۴۳۸ هجری قمری است فلسفه تهران وارد به سده سوم خود شد. حوزه تهران دچار خطر شده است که برخی گفته اند که موضوع فلسفه عوض شود! اگر موضوع عوض شود باید با آن وداع کرد. مدرسه سپه سالار برای فلسفه ساخته شده است چه عیبی دارد که در اختیار این گروه قرار بگیرد. در انتهای این مراسم، لوح تقدیری به رسم یادبود از جانب مرکز انجمن آثار و مفاخر ایران به آیت الله سید رضی شیرازی اهدا شد.

متن این لوح تقدیر از این قرار است: «بسمه تعالی. یوتی الحکمه من یشاء و من یوت الحکمه فقد اوتی خیرا کثیرا. یحقیه علیقدر حکیم متخلق، حضرت آیت الله سید رضی شیرازی، اهل قلم می دانند که آثار علمی دانشمندان، سرمایه ای بزرگ و جاویدان برای فرهنگ این مرز و بوم به شمار می رود. از این رو انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، برای تحقق یکی از اهداف خود، که بزرگداشت مفاخر علمی، فرهنگی و دینی است، افتخار دارد به پاس سالها تلاش های ارزنده، ماندگار و تاثیرگذار شما حکیم دانا و مدرس توانا و امام جماعت مسجد شفاء، که در زمره شاگردان اساتید برجسته ای همچون سید ابوالحسن رفیعی قزوینی، فاضل تونی و میرزا ابوالحسن شعرانی هستند و همواره با خلوص نیت برای احیاء نام و یاد و اندیشه و سیره انبیاء و ائمه دین علیهم السلام خدمت کرده اید. به عنوان عالمی فرزانه، استادی فرهیخته و یکی از مفاخر فرهنگی و دینی ایران اسلامی، تجلیل به عمل آورد. جامعه علمی کشور، نیک آگاه است که حضرت تعالی، عمری را با تلاش و دلسوزی، در آموختن عمل با ایمان و اخلاق و علم با حکمت، در مسیر تربیت دین، ترویج اسلام و مکتب پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص)، کوشیده و پرچمدار میراث گرانباز آنان برای امت اسلامی هستند. از این رو خدمات شایسته شما استاد گرانمایه و تالیف کتاب ارزشمند نگاه ناب، می تواند سرمشق و اسوه جوانان مسلمان و در تقویت و بصیرت افزایی هر چه بیشتر آنان موثر باشد. اینجانب به نمایندگی از طرف هیات امناء، هیات مدیره و شورای علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی که در صدر آنان مقام عالی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران قرار دارد لوح تقدیر آراسته به نشان زرین انجمن را به عنوان نمادی از تحسین و تمجید به شما تقدیم می دارد و توفیق و سلامتی حضرت تعالی را از خداوند بزرگ مسالت دارد.

با احترام: مهدی محقق».

همچنین دکتر محمد رضا مجیدی، رئیس کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی به نمایندگی از طرف دکتر لاریجانی، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، حضور داشتند و متن پیام دکتر لاریجانی قرائت شد.

دکتر علی لاریجانی، دانش آموخته در رشته فلسفه از دانشگاه تهران در بخشی از پیام گفت: استاد بزرگوار و گرانقدر از افتخارات علمی و فرهنگی و دینی کشور هستند. بنده جدای از مقام فضل و کمال معرفتی، ویژگی تواضع را در این مرد عالم، بسیار برجسته یافتیم. ایشان چه در مقام معلمی و چه مسئولیت های دیگر از فضیلت تواضع برخوردار هستند. خداوند متعال بر طول عمر و عزت ایشان بیافزاید.

در این مراسم علاوه بر یکی از فرزندان مقام معظم رهبری، افرادی همچون حجت الاسلام والمسلمین شهرستانی، دکتر حداد عادل، دکتر علی مطهری و دیگر افراد برجسته علمی و کشوری حضور داشتند.

اکبر فلاحي در کتاب «محرم و انقلاب اسلامی»

به بررسی تاثیرگذاري نقش عزاداري ماه محرم در مبارزات ملي شدن صنعت نفت پرداخته است.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی در سال ۱۳۹۳ کتابی را با عنوان «محرم و انقلاب اسلامی» به قلم اکبر فلاحي در ۳۸۴ صفحه منتشر کرده است که در آن به بررسی تاثیرگذاري عزاداري ماه محرم بر مبارزات انقلابي مردم ايران در سال‌های قبل از پیروزي انقلاب اسلامی اشاره شده است.

اگرچه این امام خمینی(ره) بود که توانست بیش از پیش عاشورا را به وقایع روز پیوند بزند، اما قبل از آن نیز تاثیرپذیری از واقعه عاشورا و نهضت امام حسین(ع) در جای‌جای تاریخ ایران مشاهده می‌شود. یکی از مواردی که می‌توان این تاثیر را دید «نهضت ملی شدن نفت ایران» بود که از اواخر دهه ۲۰ آغاز شد. در کتاب محرم و انقلاب اسلامی درمورد تاثیر محرم بر نهضت ملی شدن نفت اینگونه آمده است: در اوایل نهضت ملی شدن نفت، برخی از روحانیون تهران هیئت یا جامعه علمیه تهران را تأسیس کردند که در برخی از حوادث سیاسی، اطلاعیه‌هایی صادر می‌کردند و بیشتر جانبدار نهضت ملی بودند.

با آغاز نهضت ملی‌شدن نفت، نیروهای مذهبی به رهبری «آیت‌الله کاشانی» نقش مهم و برجسته‌ای در این نهضت ایفا کردند. بهره‌گیری از فضای ماه محرم برای اعلام نظرات و خواسته‌ها از جمله راهبردهای نیروهای مذهبی بود. در این میان منزل آیت‌الله کاشانی در ماه‌های محرم، شاهد حضور دسته‌های سینه‌زنی بود.

در محرم سال ۱۳۳۰ شمسی که دسته‌های سینه‌زن در منزل وی حضور داشتند، آیت‌الله کاشانی سخنانی به این مضمون برای آنها بیان کرد: «قربان قدم‌های شما، امیدوارم با همت شما در ایران که کشور اسلامی است، قوانین اسلامی اجرا شود. این دستگاه ظلم و بی‌عدالتی که بر شما حکومت می‌کرد، از بیخ و بن کنده شود...»

همچنین آیت‌الله کاشانی در یکی از سخنرانی‌هایش در منزل، عزاداران حسینی را برای رسیدن به سعادت به اتحاد دعوت کرد. در آن مراسم روحانیان و وعاظ نیز درباره وقایع و رخدادهای روز کشور برای مردم سخنرانی می‌کردند.

افزون بر این، مبارزات جمعیت فدائیان اسلام به رهبری «سید مجتبی نواب صفوی» بود. فدائیان اسلام از جمله جمعیت‌های فعال و تاثیرگذار در رخدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دهه ۲۰ و اوایل دهه ۳۰ به شمار می‌آیند که با اقدامات انقلابی خود نقش مهمی در پیروزی نهضت ملی شدن صنعت نفت داشتند. استفاده از فضای ماه محرم و مراسم‌های عزاداری آن برای اعلام نظرات و خواسته‌ها نیز از جمله راهبردهای این جمعیت بود.

در این راستا اعضای این جمعیت در ایام محرم و صفر برای سخنرانی به شهرستان‌ها سفر می‌کردند تا پیام خود را به گوش مردم برسانند. در ماه محرم ۱۳۲۹ سید جعفر امامی، برادر حسین امامی، که هژیر را اعدام انقلابی کرد، به مشهد سفر کرد و در مراسم محرم آن سال بر منابر به ایراد سخنرانی پرداخت و دسته‌های عزادار را به مخالفت با اقدامات رژیم فرا خواند. ترس مأموران رژیم از مبارزات و افشاگری‌های اعضای جمعیت فدائیان اسلام در ماه محرم تا جایی رسید که در محرم ۱۳۳۰ مأموران رژیم نسبت به بهره‌گیری جمعیت فدائیان اسلام از مراسم سینه‌زنی محرم آن سال هشدار دادند.

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تقریباً بین ماه‌های محرم و صفر به وقوع پیوست. پس از این رخداد، جمعیت فدائیان اسلام درصدد برآمد از منابر مذهبی ماه محرم آن سال، بیشترین استفاده را

ببرد تا ضمن تشریح مسائل روز کشور به افشاگری علیه رژیم بپردازد.

بی‌گمان بهره‌گیری از مجالس عزاداری ماه‌های محرم و صفر با توجه به اوضاع سرکوب و خفقانی که رژیم پس از کودتای ۲۸ مرداد ایجاد کرده بود، می‌توانست کمک شایانی برای ادامه مبارزه با سیاست‌های رژیم پهلوی و حامیان‌ش باشد. این حرکت جمعیت فدائیان اسلام در اسناد مأموران رژیم این گونه بازتاب‌یافته است:

«۲۴/۶/۳۲- اطلاعیه واصله

طبق اطلاع حاصله فدائیان اسلام فعالیت خود را با تشکیل مجالس عزاداری در مسجد باب‌الحوائح و منازل اعضا مؤثر جمعیت فدائیان اسلام مجدداً آغاز نموده‌اند»

از طرف دیگر فدائیان اسلام طی اطلاعیه‌ای اعلام کردند مجالس روضه به مدت ده شب از طرف آن جمعیت، در مسجد جامع واقع در بازار برگزار خواهد شد و در این روضه‌خوانی نواب صفوی، سید عبدالحسین واحدی و شماری دیگر از سران فدائیان اسلام، شرکت و سخنرانی خواهند داشت. اما براساس خاطرات اعضای این جمعیت، مراسم عزاداری فدائیان اسلام در محرم آن سال، در مسجد سلطانی بازار یا مسجد شاه، که دومین مسجد جامع تهران و از مراکز مورد توجه هیئت‌های عزاداری بود، برگزار شد. در این مجالس شیخ قاسم اسلامی و سید عبدالحسین واحدی سخنرانی کردند. البته واحدی بیش از دیگران منبر داشت و سخنرانی‌های تندی علیه رژیم ایراد کرد.

واحدی در سخنانش به محمدرضا پهلوی حمله کرد و از وی با عنوان «پسرک پهلوی» نام می‌برد. سخنرانی او در حالی انجام می‌شد که در آن مقطع در شهر حکومت نظامی بود و مأموران مسلح در میان مردم عزادار، حضور داشتند. واحدی در یکی از سخنرانی‌هایش سخنانی بدین مضمون بیان داشت: «ما خیال داریم با ظلم حاکمان و ستم ستمگران مبارزه کنیم، کسانی که موافق هستند و می‌خواهند با ما بیعت کنند دست‌های خود را روی سرشان بگذارند». به دنبال این درخواست، تمام مردم حاضر در مسجد دست‌هایشان را روی سر گذاشتند. در واقع واحدی با سخنرانی‌هایش به دولت هشدار داد که همچنان آمده مبارزه در راه دین هستند.

در محرم سال ۱۳۳۳ شهربانی درباره برنامه مبارزاتی جمعیت فدائیان اسلام در ماه محرم آن سال این چنین گزارش داد: «به مناسبت فرا رسیدن ایام محرم به افراد جمعیت فدائیان اسلام دستور داده شده‌است در جلسات عزاداری و روضه‌خوانی ضمن بحث درباره حجاب زنان و زیان مصرف نوشابه‌های الکلی مطالبی علیه دولت بیان و مردم را وادار نمایند که از دولت بخواهند قانون مربوط به منع استعمال نوشابه‌های الکلی را مورد اجرا قرار دهد. گفته می‌شود افراد متعصب جمعیت مزبور در نظر دارند چنانچه به تقاضای آنها در این باره ترتیب اثر داده نشود، به‌مغازه‌های نوشابه‌فروشی حمله و خساراتی وارد سازند».

پس از شهادت نواب صفوی و یارانش حرکات و اقدامات اعضای فدائیان اسلام تحت کنترل شدید مأموران رژیم قرار گرفت. در چنین شرایطی به ناچار اعضای جمعیت به مبارزات زیرزمینی و مخفیانه روی آوردند. عمده فعالیت آنها پس از سال ۱۳۳۴ به‌صورت حرکت‌های تبلیغاتی و بیان مبانی اعتقادی در جلسات خصوصی و عمومی انجام می‌گرفت. جلسات عمومی جمعیت در قالب کلاس‌های قرائت و تفسیر قرآن مجید و مراسم عزاداری در مکان‌هایی چون مسجد مهدیه در خیابان رزم‌آرا و مسجدی در خیابان بوذرجمهری، برگزار می‌شد.

همچنین یاران نواب صفوی حتی زمانی که زندانی می‌شدند دست از مبارزه نمی‌کشیدند. محمد مهدی عبدخدایی از جمله این مبارزان است که در محرم سال ۱۳۳۵ در سخنرانی خود برای زندانیان به ترسیم اوضاع آن زمان پرداخت.

نقش فدائیان اسلام در پیوند عاشورا با نهضت ملی شدن نفت

سید محمود سدهی شب‌ها در هیئت زینبیه ... بسیار زنده می‌باشد... د. بیشتر افراد [هیئت زینبیه را] ... اعضای جمعیت فدائیان اسلام تشکیل می‌دهند».

در پی سخنرانی سید محمود سدهی، مأموران وی را دستگیر کردند و تلاش‌ها برای آزادی او نیز به نتیجه نرسید. از این رو، اعضای هیئت زینبیه نزد آیت‌الله کاشانی رفتند و ضمن تقاضا از ایشان برای آزادی وی، از ایشان خواستند برای جانشینی سدهی، واعظی دیگر معرفی کند. آیت‌الله کاشانی نیز آیت‌الله خندقی آبادی امام جماعت مسجد خندق آباد را معرفی کرد. بنابراین فعالیت جمعیت فدائیان اسلام، پس از کودتای ۲۸ مرداد به صورت محدود و در قالب هیئت‌های مذهبی، ادامه‌یافت.

با آغاز نهضت امام خمینی(ره) در سال ۱۳۴۱، اعضای باقی‌مانده این جمعیت که به‌صورت پراکنده مشغول فعالیت و مبارزه بودند، مبارزات خود را گسترش دادند. در این میان، سید مهدی عراقی و حاج صادق امانی و برخی سران هیئت‌های مذهبی، پس از حادثه فیضیه و قبل از فرارسیدن ماه محرم ۴۲ به خدمت حضرت امام (ره) رسیدند و به فرمان ایشان، «هیئت‌های مؤتلفه اسلامی» را تشکیل دادند.

آیت‌الله اراکی تأکید کرد:

پرهیز از گفتار و کردار تفرقه‌افکن در پیاده‌روی اربعین

آیت‌الله «محسن اراکی» دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس، با اشاره به نزدیک شدن ایام اربعین حسینی و پیاده‌روی اربعین به بیان توصیه‌هایی در این زمینه پرداخت و گفت: اول اینکه ما باید فلسفه راهپیمایی اربعین را تبیین کنیم، اگر این کار را انجام دهیم و اگر آنها سیدالشهدا(ع) را بشناسند، همه جهان اسلام با ما در این راهپیمایی همراه خواهند شد. وی اظهار داشت: شخصیت امام حسین(ع) شخصیتی است که نماد رسول اکرم(ص)، نماد اسلام و نماد ارزش‌های اسلامی است. امروز اگر بتوانیم حول محور سیدالشهداء(ع) جمع شویم، یکی از مهمترین شیوه‌های وحدت‌گرایی در جهان اسلام را داشته‌ایم.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تصریح کرد: باید به مسلمانان این مطلب را تبیین کنیم که خطر تفرقه و تکفیر چه خطری است و چگونه به همه جهان اسلام آسیب می‌رساند؟ و این مسئله منشأ عقب‌ماندگی و منشأ تخلف جهان اسلام خواهد شد تا دشمنان بتوانند از هر شیوه‌ای در این راستا بهره ببرند.

وی با بیان اینکه از راهپیمایی اربعین به عنوان یکی از بزرگترین اجتماع جهان اسلام و یکی از مهمترین شیوه‌های ایجاد وحدت استفاده کنیم، عنوان کرد: چه شیعه و چه اهل تسنن باید از این گردهمایی عظیم استفاده کنند؛ امروز گردهمایی اربعین، بزرگترین گردهمایی در جهان اسلام بلکه در جهان بشریت است. باید از گردهمایی نظیر پیاده‌روی اربعین برای الفت میان مسلمانان و برای مقابله با تفرقه و پراکندگی استفاده کنیم.

آیت الله اراکی خاطرنشان کرد: سعی کنیم همگی در این راهپیمایی میلیونی اربعین شرکت کنیم، هر کسی که می‌تواند در حد توان خود در این مراسم شرکت کند و سعی کنیم در پیاده‌روی اربعین از هر پدیده و عملی که موجب تفرقه‌افکنی می‌شود، بپرهیزیم.

علما ضرورت تقریب را برای مردم بیان کنند

معاون بین الملل حوزه های علمیه، گفت: ضرورت دارد علما و روحانیون مذاهب مختلف اسلامی بحث تقریب و اتحاد جامعه اسلامی را برای مسلمانان بازگو نمایند.

«حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن زمانی» در حاشیه همایش «جریان های تکفیری و پیامدهای آن در عصر حاضر» که در تالار اندیشه موسسه فرهنگی میرداماد گرگان برگزار شد، افزود: برای رسیدن به همزیستی اسلامی و مردمی کردن بحث تقریب اسلامی لازم است بزرگان هر مذهبی در مساجد، سخنرانی ها و خطبه های خود مخاطبان خود را در جهت همفکری و هم سازنگری اسلامی آشنا ساخته و بر انجام آن تلاش نمایند.

به گفته وی؛ خود علمای اسلام برای رسیدن به این مقصود با فقه، معارف، کتب دینی و مذهبی همدیگر آشنا شده و در حوزه های علمیه خود تدریس کنند.

معاون بین الملل حوزه های علمیه با اشاره به اساسی ترین اقدام جهان اسلام برای مقابله با جریان های تکفیری، اظهار کرد: اتحاد علما و روحانیون فرق مختلف اسلامی، تدوین معیار لازم برای مسلمان بودن فرد و آگاه سازی پیروان تندروی هر مذهب توسط عالمان آن مذهب و عقیده از مهمترین اقداماتی است که می توان برای مقابله با گسترش تفکرات افراطی در جامعه انجام داد.

وی، ادامه داد: وجود اختلافات جزئی در عقاید، فقه، تفسیر و تاریخ بین مذاهب اسلامی به هیچ وجه نمی تواند عاملی برای دوری از همدیگر و ایجاد تفرقه و گسستگی بلاد اسلامی شود.

حجت الاسلام زمانی، فقط همزیستی مسالمت آمیز فرق اسلامی با یکدیگر را برای رسیدن به وحدت کافی ندانست و گفت: احترام به مقدسات هم و پرهیز از جنگ و درگیری ساده ترین مرحله است و تعاون و همفکری علمای شیعه و سنی در تمام عرصه های مشترک اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، علمی و دینی چاره ساز است.

وی افزود: همفکری و مشورت همه مسلمانان برای پذیرفتن عالی ترین اعتقاد و نظریه اوج وحدت اسلامی را می رساند.

به گفته وی؛ در صورت تحقق این امر شاهد اقتدار و توسعه جوامع اسلامی در تمام زمینه ها خواهیم بود و هیچ دشمنی یارای مقابله با مسلمانان را نخواهد داشت.

به عنوان هدایت گران افکار و اندیشه های جامعه باید خود را به آن مسلح کنند.

وی به بخشی از مطالبات جامعه روحانیت استان اشاره کرد و افزود: انتظار داریم که مرکز تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ما را در تشکیل گروه های تبلیغی، تهیه متون تبلیغی مبتنی بر تقریب بین مذاهب اسلامی، تشکیل گروه های قرآن محور، حمایت از پژوهش های تقریبی یاری کند.

فرزی اظهار داشت: فراهم کردن زمینه های لازم برای ایجاد فضای حضور نخبگان اهل تسنن و اهل تشیع کردستان در دانشگاه باقرالعلوم، حمایت از برگزاری دوره های کوتاه مدت و آموزش از راه دور برای روحانیون اهل سنت و اهل تشیع از دیگر انتظاراتی است که امیدواریم این نشست زمینه ساز تحقق آن باشد.

داعش و گروه های تکفیری هیچ ارتباطی با اهل سنت ندارند

ماموستا نقیبی افزود: این مهم نشان از یک واقعیت تلخ دارد و این واقعیت نیز جز مزدوری داعش و گروه های تکفیری برای صهیونیسم و استکبار جهانی چیز دیگری نیست. وی در ادامه سخنان خود به ضرورت وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی در بین مسلمانان اشاره کرد و گفت: داعش و گروه های تکفیری دشمن اهل سنت هستند و در مقاطع مختلف نیز اقدام به ترور روحانیون و علمای بزرگ اهل سنت نموده اند که از جمله این بزرگواران می توان به شیخ رمضان البوطی در سوریه، ماموستا برهان عالی و ماموستا محمد شیخ الاسلام از روحانیون والامقام کردستان اشاره کرد.

رئیس مرکز بزرگ اسلامی شهرستان سقز خاطرنشان کرد: امروز اهل سنت ایران افتخار می کند که رهبر و پرچمدار کشورشان آیت الله خامنه ای است که در جهان اسلام به عنوان محور وحدت و خار چشم دشمنان اسلام به ایشان می نگرند. **کردستان نماد عینی تقریب مذاهب اسلامی**

معاون فرهنگی نماینده ولی فقیه در کردستان نیز در این نشست اظهار کرد: باید فعالیت تشکل های تبلیغی در حوزه تقریب مذاهب اسلامی در کردستان گسترش یابد.

حجت الاسلام مهدی فرزی اظهار کرد: کردستان نماد عینی وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی در ایران است.

معاون فرهنگی نماینده ولی فقیه در استان کردستان گفت: با توجه به شرایط کنونی جهان اسلام و توطئه های گسترده دشمنان باید تشکل های تبلیغی در حوزه تقریب مذاهب اسلامی با محوریت روحانیون استان فعالیت گسترده تری داشته باشند.

وی افزود: این ویژگی های فرهنگی و اعتقادی در کردستان و زندگی همراه با آرامش و امنیت پیروان مذاهب اسلامی در کنار همدیگر الگویی عینی برای همه مسلمانان جهان است.

حجت الاسلام فرزی افزود: کسب آمادگی های لازم در حوزه های مختلف برای مقابله با توطئه های دشمنان از جمله اموری است که جامعه روحانیت

تبیین اهمیت و ضرورت عزاداری برای امام حسین (ع)

همواره از پشتیبانی فرشته روح القدس برخوردار خواهد بود».[۸]

هم چنین آن حضرت در تشویق مردم به برپایی این آیین می فرمود: «در روز عاشورا برای امام حسین «علیه السلام» مجلس عزاداری برپا دارید و همراه با خانواده بر مصایب آن حضرت بگریید و شیون و زاری کنید و هنگام دیدار، بر آن حضرت بگریید و همدیگر را تعزیت دهید و بگویید: أعظم الله أجورنا بمصائبنا بالحسین «علیه السلام» و جعلنا وایاکم من الطالبین بئاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد. هر کس چنین کند، من پاداش دو هزار حج و عمره و جهاد در رکاب رسول الله «صلی الله علیه و آله» و ائمه «علیهم السلام» را برایش تصمیم می کنم.»[۹]

متأسفانه باید گفت امروزه تحریف های از نوع موسیقی ناهنجار را در هیئات عزاداری شاهدیم. بدعت گذاری های حیرت انگیزی که توسط اشخاص و افرادی که نه صدای خوش دارند و نه ذوق مرثیه سرایی، در نوحه های معاصر صورت گرفته و میراث های شکوهمند چندین سده را زیر سؤال برده است.

حال آنکه ضرورت بهره گیری از نغمه های پرشور که مردم خوش ذوق و عاشق در رئای سالار شهیدان کربلا و یاران گران قدرش سر داده اند و هنوز پس از گذشت قرن ها، طنین آن جان ها را بر می آشوبد و نیز تبیین صحیح قیام حسینی، ارائه مقتل و روضه صحیح و مستند، جلوگیری از خواندن مرثیه های دروغ و مرثیه خوانان ناصالح و مداحان کاسب و واعظان بی سواد و بی مطالعه می تواند در تعمیق لایه های معرفتی عاشورا موثر واقع گردد و ما را به شناختی ژرف و گسترده رهنمون سازد که پیام آن به همه انسان ها به نام یک وظیفه بزرگ انسانی و یک اقدام سترگ اسلامی، پیامی برای بشریت تا همیشه تاریخ است یعنی: “شهادت با افتخار نه زندگی ننگبار.”

[۱] سوره دخان، آیه ۲۹.

[۲] قیام عاشورا در کلام و پیام امام، ص ۱۶.

[۳] نهضت های اسلامی صد ساله اخیر، مرتضی مطهری، ص ۸۹.

[۴] سوره شورا: آیه ۲۳.

[۵] ثواب الأعمال: ص ۲۵۷ ح ۳.

[۶] کامل الزیارات، ص ۱۱۷.

[۷] حج: آیه ۳۲.

[۸] مصباح المتبهد، ص ۷۱۳.

[۹] جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه القمی الصدوق، کامل الزیارات، ص ۱۷۴.

در اندوه و حسرتی مدام، در عزای ما سهیم اند. و در روایت دیگری، از ایشان نقل شده که فرمود: «وَأَرْحَمَ تِلْكَ الْأُمَمِیْنَ الَّتِی جَزَتْ دُمُوعُهَا رَحْمَةً لَنَا ، وَأَرْحَمَ تِلْكَ الْقُلُوبَ الَّتِی جَزَعَتْ وَ اخْتَرَقَتْ لَنَا ، وَ اَرْحَمَ الصَّرَخَةَ الَّتِی كَانَتْ لَنَا .»[۶]؛ و بر آن چشم هایی که از سر دلسوزی بر ما اشک هایشان روان شده، رحم کن، و بر آن دل هایی که برای ما بی تاب شده و آتش گرفته اند، رحم نما، و بر شیون هایی که برای ما بلند گردیدند، رحم آور» .

عزاداری برای سید الشهداء علیه السلام، یکی از بزرگ ترین مصادیق بزرگداشت شاعر الهی و نشانه پروامندی دل هاست. «وَمَنْ يَعْظُمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»[۷]

یقیناً یکی از مهم ترین امتیازات جامعه شیعه، برخورداری از چشمه پرفیض نورانیت و معنویت عاشورا است. این چشمه جوشان، از نخستین روزی که موضوع یادکرد مصیبت سید الشهداء علیه السلام و بارانش مطرح شد، جریان یافت و تا امروز، همچنان جاری است و پس از این هم ادامه خواهد داشت.

بی شک آیین سوگواری عاشورایی در دوران زندگی پیشوایان معصوم شیعه نیز جریان داشته و مورد تأیید و تأکید آن بزرگواران نیز قرار گرفته است، لذا به جرأت می توان گفت ائمه معصومین «علیهم السلام» در گسترش فرهنگ سوگواری عاشورایی نقش بسزایی داشته اند. آن بزرگواران با برپایی مجلس های گوناگون عزاداری، یاد و خاطره شهیدان کربلا را زنده نگاه می داشتند. آنان بر این نکته پافشاری می کردند که حتی اگر بر خود انسان، مصیبتی وارد شود، شایسته است به نیت زنده نگاه داشتن مصیبت امام حسین «علیه السلام» بر آن عزا بگیرد.

پس از حادثه کربلا، مجالس سوگواری به صورت ژرف تر و رسمی تر در جامعه گسترش یافت و عاشورا سبب انسجام و نوعی رسمیت یافتن آن گردید. امامان در دوران خفقان اموی و عباسی، شاعران هم عصر خویش را به طور پنهانی فرا خوانده و با برپایی مجالس عزاداری، نوحه سرایی آنان را می شنیدند و به همراه دیگر حاضران می گریستند. «کمیت بن زید اسدی» یکی از این شاعران است که اشعار جان سوزی در توصیف حادثه کربلا سروده است. امام باقر «علیه السلام» درباره ایشان فرمود: «اگر سرمایه ای داشتیم، در پاداش شعر کمیت به او می بخشیدیم، ولی جزای او همان دعایی است که پیامبر درباره حسان بن ثابت فرموده است و به دلیل دفاع از اهل بیت

بر واضح است که زنده نگه داشتن اسلام از طریق عزاداری اسلام صورت گرفته است و اگر امام حسین قیام نمی کرد اثری از اسلام باقی نمی ماند. اساس شکل گیری انقلاب اسلامی نیز نهضت امام حسین - علیه السلام - است. به همین دلیل امام خمینی درباره تجدید و تکرار عزاداری ها می فرمایند: «... اصلاً نمی فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده و نمی دانند این منبرها، گریه ها سینه زنی ها حدود ۱۴۰۰ سال است که ما و مکتب را حفظ کرده و تا حالا اسلام را آورده، این عده از جوان ها اینطور نیست که سوءنیت داشته باشند! آنها خیال می کنند که ما باید حرف روز بزنیم. حرف سیدالشهدا حرف روز، و همیشه حرف روز است؛ اصلاً حرف روز را سیدالشهدا آورده است و دست ما داده است و سیدالشهدا را این گریه ها و مکتب وی را این مصیبت ها و داد و قال ها و این سینه زنی ها و این دستجات حفظ کرده است. اگر فقط مقدسی بوده و توی اتاق و توی خانه می نشست و برای خودش هی زیارت عاشورا می خواند و تسبیح می گرداند چیزی نمانده بود... همینهاست که این نهضت را پیش برده، اگر سیدالشهدا نبود این نهضت را کسی پیش نمی برد.»[۲] لذا باید گفت بنابر این عزاداری حسین بن علی یک حرکت است، یک موج است، یک مبارزه اجتماعی است.»[۳]

بر پایه روایات، برپا داشتن عزا برای سالار شهیدان و بارانش، مرثیه سرایی برای آنان و گریه بر مصائبی که بر ایشان گذشته است، بویژه در دهه اول محرم و خصوصاً در روز عاشورا، مورد تأکید اهل بیت علیهم السلام بوده است.

عزاداری برای سید الشهداء علیه السلام، در حقیقت، اظهار محبت به خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است که قرآن، مودت آنها را واجب کرده است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى.»[۴] بگو در برابر این [رسالت]، مزدی از شما نمی خواهم، جز دوست داشتن خویشاوندان [خود] را» .

عزاداری برای سید الشهداء علیه السلام، اظهار همدردی در بزرگ ترین مصائبی است که برای اهل بیت علیهم السلام و در واقع برای اسلام، پیش آمده است. شیخ صدوق، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «سَرَّحِمَ اللَّهُ شَیْعَتَنَا ! شَیْعَتُنَا - وَاللَّهِ - هُمُ الْمُؤْمِنُونَ ! فَقَدْ - وَاللَّهِ - شَرَّ كُونَا فِي الْمَصِیْبَةِ بِطَوْلِ الْحُزْنِ وَ الْحَسْرَةِ .»[۵]

خداوند، شیعیان ما را رحمت کند! آنان - به خدا سوگند -، حقیقتاً مؤمن اند. به خدا سوگند، آنان،

ماموستا عابد نقیبی در نشست تخصصی علما و روحانیون اهل سنت و اهل تشیع کردستان با رئیس مرکز تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در سنجید اظهار کرد: امروز متأسفانه سداغشی ها که در برابر آموزه های اسلامی و سیره رسول الله (ص) قد علم کرده اند خود را منتسب به اهل سنت معرفی می کنند اما ما روحانیون اهل سنت شافعی مذهب کردستان هرگونه ارتباط داعش با اهل سنت را محکوم و رد می کنیم.

وی افزود: علما و بزرگان اهل سنت در نقاط مختلف دنیا هم در رسانه های مختلف بارها اعلام کرده اند که داعش و گروه های تکفیری هیچ ارتباطی با اهل سنت ندارند و دشمن اصلی مسلمانان محسوب می شوند.

رئیس مرکز بزرگ اسلامی شهرستان سقز خاطرنشان کرد: اگر داعش و گروه های تکفیری ادعای اهل سنت بودن می کنند چرا بسیاری از افرادی که آن ها به خاک و خون کشیده اند اهل سنت هستند و چرا آن ها تاکنون علیه رژیم صهیونیستی و کشورهای غربی وارد جنگ نشده اند.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مختاری

حرکت تاریخی امام حسین (ع) الگویی کامل از صفات آزادی خواهی، ظلم ستیزی، نفی استکبار و موارد مثبت و راه گشای دیگری است که برای بشریت به ارمان داشته است.

زوایای این حرکت عظیم برای بشر و حتی برای علاقمندان آن حضرت مجهول مانده است، لذا بررسی دقیق این موارد می تواند برای استقرار عدالت و آزادی خواهی برای همه مردم مثمر ثمر واقع گردد.

شناخت دقیق این حماسه با توجه به فرمایشات گهر بار پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) امکان پذیر می باشد. به نظر می رسد یکی از اشارات مهم اهل بیت (ع) برای شناخت عظمت حرکت امام حسین (ع) ماهتمام این ستاره های خلقت هستی در باب اهتمام عزاداری و سوگواری برای آن امام همام می باشد. این امر می طلبد که همه علاقمندان آن حضرت در باره برگزاری مراسم سوگواری هدفمند تلاش کنند تا به نتایج مورد نظر دست پیدا کنند. برپایی مجلس عزاداری یکی از نمادهای مهم فرهنگ اسلام است. بدون تردید مراسم عزاداری در تبیین و تقویت مذهب شیعه و گسترش آن در اعماق جامعه و نفوذ آن در قلبها نقش بسزایی داشته است.

لذا باید برای عزاداری، بالأخص برای شهدا در اسلام سابقه ای دیرین در نظر گرفت، و از اخبار برمی آید که پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آن را تأیید کرد و در برگزاری آن همت می گماشت.

از این رو مسأله عزاداری و «برپایی مجلس حزن» مسأله ای نیست که مربوط به دوران خاص یا عصری خاص باشد بلکه امری است که سر منشأ در فطرت انسان دارد و با سرشت آدمی گره خورده است.

از یک سو در قرآن کریم بعنوان کتاب آسمانی گریه کردن و سوگواری برای اولیاء الهی را تأیید و از نظر تکوین و آفرینش زمین و آسمان آن را امری طبیعی مطرح می کند: «فما بکت علیهم السماء والارض...»[۱] آسمان و زمین بر آنها گریه نکنند (قوم فرعون) مفهوم آیه بیانگر گریه آسمان و زمین بر اولیاء الهی و انسان های مؤمن است. از سوی دیگر در روایت و احادیث می خوانیم، امام صادق - علیه السلام - گریه آسمان و زمین بر امام حسین - علیه السلام - را تبیین فرموده از این روی عزاداری یک فرهنگ مورد تأیید و توجه در اسلام بوده و در آداب رسوم مناطق مختلف با رنگ و بوی قوی و محلی بر اساس موازین شرعی برگزار می شود.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

نشانی: قم / خیابان شهدا (صفائیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۳۳۷۷۴۳ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

معرفی کتاب روابط سیاسی
محمدرضا پهلوی و آمریکا در
دوره کارتر

ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

بررسی مناسبات دو کشور در سالهای پس از کودتای آمریکایی - انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نشان می دهد که روابط این دو کشور نمونه ای کامل از روابط «دولت دست نشانده» بوده است به گونه ای که شاه ایران اغلب تصمیمات خود را با مشورت آمریکایی ها اتخاذ می کرد و آمریکا نیز با حمایت کامل از رژیم شاه، ضمن برآوردن خواسته های وی، تمام تلاش خود جهت حفظ رژیم پهلوی به کار برده است.

در این دوره آمریکایی ها در ایران به قدرت کامل دست یافتند، به طوری که طبق نظر آمریکایی ها، شاه به تأسیس دو حزب مردم و ملیون تن داد تا نشان دهد اصول نظام مشروطه در کشور در حال انجام است. اما این موضوع به خودی خود نتوانست رضایت آن ها را جلب کند. به طوری که برخی نیروهای آمریکایی، سفیر وقت ایران در واشنگتن یعنی دکتر علی امینی را به عنوان بهترین گزینه برای انجام اصلاحات سیاسی تلقی می کردند. در واقع، حزب دمکرات آمریکا به امینی به عنوان فردی نگاه می کرد که می توانست با اصلاحاتی چند، مانع رواج کمونیسم در ایران شود. دولت امریکا روی دو موضوع تکیه کرد: حمایت مکرر از امینی و تشکیل کانون مترقی که بعدا در دوره نخست وزیری حسنعلی منصور به حزب ایران نوین تغییر نام داد. در این زمان « کندی » رئیس جمهور آمریکا ، شاه را برای انجام پاره ای اصلاحات تحت فشار قرار داده بود. از این زمان به بعد روند تحولات به گونه ای شکل گرفت که امریکایی ها برای نخستین بار در تاریخ معاصر ایران توانستند موقعیت های مهمی در کشور به دست آورند و سطح روابط دو کشور، آشکارا ارتقاء پیدا کرد.

روابط در دوره ریاست جمهوری ریچارد نیکسون گسترش بیشتری یافت، به گونه ای که قراردادهای مهم نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بین دو کشور منعقد گردید به واقع دوره ریاست جمهوری نیکسون که روابط شخصی زیادی با شاه داشت، اوج روابط دو کشور ایران و امریکا محسوب می شود. در همین دوره، امریکا چشم خود را بر موضوع حقوق بشر در ایران بست، این موضوع، باعث شکل گیری فضای پلیسی و امنیتی در ایران شد و ساواک توانست کلیه نیروهای سیاسی مخالف رژیم را سرکوب نماید. فضای اختناق با تعطیلی فعالیت های کلیه احزاب سیاسی طرفدار حکومت همراه بود و در اسفند ماه سال ۱۳۵۳ با تشکیل حزب واحد رستاخیز، حتی احزاب دولتی هم از فعالیت بازماندند، همچنین مطبوعات به شدت تحت فشار قرار گرفتند و اکثر مطبوعاتی که حتی مورد حمایت دربار بودند، تعطیل شدند. در دوره ریاست جمهوری جerald فورد از حزب جمهوری خواه، این روابط کماکان ادامه یافت، آمریکا آشکارا و بدون قید و شرط از شاه و اقدامات او حمایت می کرد.

جیمی کارتر کاندیدای حزب دمکرات برای ریاست جمهوری نیز، که موضوع حقوق بشر را به عنوان یکی از کلیدی ترین شعارهای انتخاباتی خود انتخاب کرده و رژیم شاه را مورد انتقاد قرار داده بود، پس از استقرار در کاخ سفید به صورت تمام قد از شاه حمایت کرد و با « جزیره ثبات » نامیدن ایران، در واقع سیاست روسای جمهور قبلی آمریکا را در قبال ایران ادامه داد و دست شاه را برای سرکوبی مخالفان کاملاً باز گذاشت. او به این وسیله ابزاری بودن سیاست حقوق بشر آمریکایی را در عمل نشان داد.

گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین علیدوست

آفت برخی سخنرانی‌های مذهبی



آثار متعدد و خوبی در بین جامعه داشته باشد.

مداحی در کنار اینکه یکی از بهترین ابزار برای تبلیغ دین و زنده کردن پیام قیام عاشورا است، می‌تواند افرادی که با استفاده از راهکارهای دیگر جذب نمی‌شوند را به خوبی جذب کند. البته مداحی نیز مانند خیلی مسائل دیگر بشری با آسیب‌هایی همراه بوده و از جمله آن می‌توان به انجام حرکات خارج از شأن، صوت غنائی و نامناسب برای مراسم سیدالشهدا، ذلت انگاری برخی رفتارها در واقعه عاشورا که می‌تواند پاسخ منطقی داشته باشد اشاره کرد.

*آسیبی که در برخی سخنرانی‌ها دیده می‌شود

مسئله سوم اینکه جریانی که امروز در کشور است و گاهی در سخنرانی‌ها مطرح می‌شود و زندگی و رفتارهای ائمه را در چند مسئله خاص روزمره سیاسی خلاصه می‌کنیم یک آسیب است. لازمه تطبیق پدیده‌های دوران ائمه بر شرایط زمانه در این است که ما همه شرایط را در کنار هم و با هم مشاهده کنیم و همه جوانب را در نظر بگیریم، مثلا برای تطبیق رفتار پیامبر (ص) در حدیبیه یا صلح امام حسن (ع) با معاویه با جریانات که امروز در کشور مطرح است باید به همه شرایط به طور یکسان نگاه کنیم و تنها در این صورت است که می‌توانیم از این مسئله کمک بگیریم. رفتارهایی مثل جنگ، دفاع، یا صلح یک رفتار

واقعه کربلا به ما نشان داد که به هیچ انسانی تضمین داده نشده و در قرنطینه نیست و هر آدمی ممکن است متحول شود.

در حادثه کربلا آدم‌های زیادی را داریم که تا آخرین لحظه از اهل‌بیت(ع) دفاع می‌کردند ولی در لحظه آخر پایشان لغزید و به لشکر یزدیان پیوستند.

عکس این مورد نیز صادق است، عده‌ای بودند که با اهل‌بیت(ع) فاصله داشتند، ولی متحول شده و جزو اصحاب امام حسین(ع) در کربلا شدند که می‌توان به زهیر بن قین اشاره کرد که در سفر حج، در همنشینی با امام حسین(ع) متحول شد.

حادثه کربلا به ما نشان داد که پیروی نکردن از امام چه عاقبت شومی دارد.

کسانی که در کربلا از امام خود پیروی کردند نامشان به ابدیت پیوست و از قداست خاصی برخوردار شدند، ولی کسانی که با امام به مخالفت پرداختند عاقبت شومی پیدا کردند و در تاریخ می‌بینیم که چه سرنوشتی داشتند.

امام حسین(ع) دارای شخصیت جامعی است و به این دلیل امام تنها امام شیعیان و مسلمانان نیست، بلکه امام همه بشریت بوده و دارای آموزه‌های اخلاقی برای همگان است.

*مداحی یکی از بهترین ابزارهای تبلیغ دین است

نکته دیگر اینکه مداحی در صورتی که کنترل شود و با موازین انجام گیرد کار بار ارزشی است و می‌تواند

جواد محقق مطرح کرد

تاثیر بد بعضی مدح‌ها در مجالس عزاداری

اسلامی است و این شاعران در این مدت توانستند شعر را تهیه کنند و تحویل مخاطب بدهند.

او به مداحان پیشنهاد کرد که بدون شناخت شعر و آموزش شعر از محضر بزرگان این حوزه دست به انتخاب شعر نزنند زیرا خدای نکرده ممکن است این شعرها از نظر ادبی ارزشی نداشته باشند و موجب تخریب شوند.

این شاعر با بیان این‌که مداحان جامعه متکثر هستند و در سراسر کشور پراکنده شده‌اند اظهار کرد: برخی از مداحان خوش‌صدا هستند و با شرکت در کلاس‌های موسیقی آموزش دیده‌اند و برخی به صرف استعداد خدادادی به این کار مشغول هستند. او افزود: مداحان باید تلاش کنند که سبک و سیاق‌های مرسوم در مداحی‌ها از گذشته تا امروز را دنبال کنند و بشناسند و آموزش لازم را حداقل نزد پیشکسوتان خود داشته باشند. همچنین این افراد شعر و نقاط ضعف و قدرت آن را مطالعه کنند و دوره‌هایی بین اهل فن ببینند. علاوه بر این موارد تعدادی از متون قابل قبول شیعی را مطالعه کنند و پای بحث و سخنرانی بنشینند و هرچیزی را که به صرف این که گفته می‌شود راوی می‌گویند نپذیرند و مبلغ خرافات نشوند. به تعبیر دیگر هر مداحی در سه حوزه موسیقی، شعر و ادبیات و محتوا (روایت و حدیث) تخصص نسبی پیدا کند و با اهل فن، بزرگان و پیشکسوتان مرتبط باشد و از محضرشان استفاده کند.

او در پایان ابراز امیدواری کرد مسئولان جامعه مداحی با هدایت دوستان جوان که تازه وارد این عرصه می‌شوند بتوانند سر و سامانی به این وضعیت بدهند.

کتابخانه مرکز بررسی های اسلامی

نشانی: پردیسان، بلوار دانشگاه، انتهای بلوار سلمان فارسی، خیابان شهید مخلص، خیابان دوم / تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۸۰۷۵۵۶

جستجو در مخزن کتابخانه: <http://www.lib.ir/library/578/iseq/search/>